

مذاکرات سوریه و اسرائیل: مبانی، روند و پیچیدگی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱/۲۵

سیدحسین موسوی*

چکیده

در سال ۲۰۰۰، با شکست دیدار اسد و کلینتون در ژنو، مذاکرات صلح سوریه و اسرائیل ناکام ماند، بار دیگر از بهار سال ۲۰۰۸، مذاکرات رسمی به صورت غیر مستقیم در ترکیه آغاز گردید. از ۱۹ مه تا ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸، شش دور از این مذاکرات انجام شد و پس از مدتی توقف، با آغاز حمله اسرائیل به غزه، به صورت یکطرفه توسط دمشق قطع گردید. با توجه به نقش سوریه در موازنه منطقه‌ای و با نظر به اینکه، هدف از این مذاکرات آزادسازی جولان اشغالی است، بررسی روند پیگیری و پیش‌بینی روند مذاکرات اهمیتی راهبردی می‌یابد. بر این اساس، بررسی مبانی روند و پیچیدگی‌های مذاکرات و تحلیل چرایی و نتایج احتمالی آن برای جمهوری اسلامی ایران، موضوع مقاله حاضر است.

کلیدواژه‌ها: قطع‌نامه ۲۴۲، قطع‌نامه ۳۳۸، جولان، ودیعه رابین، دریاچه طبریا، مرز ۴ ژوئن ۱۹۶۷،

مذاکرات مادرید، مذاکرات واشنگتن، مذاکرات ترکیه، پارک صلح، مرز ۱۹۲۳

* دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه آزاد اسلامی و رئیس پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال دوازدهم • شماره اول • بهار ۱۳۸۸ • شماره مسلسل ۴۳

مقدمه

در منازعه اعراب و اسرائیل، پنج موضوع اصلی وجود دارد که عبارتند از بیت‌المقدس، مرزها، امور مربوط به شهرک‌ها، آوارگان فلسطینی و منابع آبی مشترک. جز بیت‌المقدس، دیگر موضوعات، موارد اصلی منازعه سوریه و اسرائیل هستند. ثمره این موضوعات، اشغال و ناامنی است. روابط اعراب و اسرائیل با پیش‌گامی انورسادات و عقد توافق‌نامه صلح کمپ دیوید در ۱۹۷۸، وارد فضا و فاز جدیدی شد. با این توافق‌نامه، که اکنون یکطرفه بودن آن بر ضد حاکمیت و تمامیت ارضی مصر آشکار شده است، شهرک العریش مصر در دست اسرائیل باقی ماند، ارتش مصر از حضور در سینا منع شد و نیروهای پلیس مصر مسئولیت تأمین امنیت سینا را بر عهده گرفتند. نیروهای پلیس بعد از تأیید اسرائیل می‌توانند در سینا حضور یابند. (۱)

پیمان کمپ‌دیوید، در بدو امر از سوی سایر کشورهای عرب محکوم شد و روابط مصر با سایر کشورهای عرب قطع گردید، ولی پس از ۱۱ سال، در ۱۹۸۹، مصر به دامن کشورهای عرب بازگشت. این بازگشت، چراغ سبزی به دیگر کشورهای عرب برای حل و فصل مشکلات خویش با اسرائیل و پایان رویکرد قوم‌گرایی عربی و جان‌شینی ملی‌گرایی بود. فروپاشی شوروی و حمله عراق به کویت، از هم گسیختگی جهان عرب را بیش از پیش آشکار و بر قطعی بودن عدم موازنه عربی - اسرائیلی مهر تأیید زد. سوریه برای آنکه بیش از این قافیه را نیازد و خود را در جدال بین عراق و متحدین در ضلع منزوی قرار ندهد، راه همراهی با نیروهای متحدین را در پیش گرفت. مذاکرت مادرید ثمره اتحاد در مقابل عراق بود؛ مذاکراتی که در نهایت، در جبهه سوریه - اسرائیل به شکست انجامید. پس از آن، بار دیگر سران عرب در اجلاس ۲۰۰۲ بیروت بر مذاکره با اسرائیل در قالب زمین در برابر صلح صحه گذاشتند، ولی اسرائیل از مذاکره با سوریه اجتناب کرد. نبرد تابستان ۲۰۰۶ و اولین شکست بارز اسرائیل از نیروهای ضد صهیونیستی، رهبران اسرائیل را در شرایط جدیدی قرار داد. تهدید در شمال جدی بود و قدرت نظامی ناکارآمد اسرائیل، این رژیم را با بحران مواجه می‌کرد. چاره کار در تفکیک و چندپاره‌سازی متحدین عرب تشخیص داده شد. مذاکره با سوریه، مذاکره با تأثیرگذارترین کشور عرب ضد صهیونیسم به شمار می‌رفت. موضوع اصلی، عقب‌نشینی از جولان بود، زیرا این منطقه کلید حل اختلاف اسرائیل - سوریه است.

در سال ۱۹۶۷، ارتش اسرائیل ارتفاعات جولان را در جنوب غربی سوریه اشغال کرد. در سال ۱۹۷۳، سوریه برای باز پس گرفتن مناطق از دست رفته‌اش دست به عملیات زد، ولی فقط بخشی از آن با امضای توافق‌نامه جداسازی نیروها در سال ۱۹۷۴، آزاد و غیر نظامی شد و اسرائیل از مناطقی که در پایان جنگ رمضان اشغال کرده بود، عقب نشست (۲). دو قطع‌نامه ۲۴۲ و ۳۳۸، مهمترین قطع‌نامه‌های این دو جنگ است. از آن سال تا کنون، منطقه جولان یکی از مرزهای آرام اسرائیل است و دولت سوریه، در آن منطقه، هیچ عملیاتی علیه ارتش اسرائیل انجام نداده است. دولت سوریه تلاش می‌کند خاک کشورش را با استفاده از دیگر اهرم‌های قدرت آزاد کند.

حمایت از مبارزین فلسطینی در کنار ایدئولوژی قوم‌گرائی عربی حزب بعث حاکم در سوریه، حضور در لبنان و حمایت از مبارزات ضداسرائیلی و تلاش برای حفظ جبهه پایداری، هرکدام بخشی از این تلاش‌هاست. در دهه آخر قرن بیستم، مذاکرات صلح به این تلاش‌ها افزوده شد. پی‌گیری مذاکرات صلح با میانجی‌گری آمریکا که با اجلاس مادرید آغاز شد، پس از چند عملیات بمب‌گذاری نیروهای فلسطینی در ۱۹۹۶ قطع شد، ولی دو سال بعد با از سرگیری مجدد در ۲۶ مارس ۲۰۰۰ میان کلینتون و حافظ اسد، شکست خورد. بعد از فوت حافظ اسد و ریاست بشار اسد، بار دیگر تلاش برای از سرگیری مذاکرات از نقطه‌ای که قطع شده بود، آغاز شد؛ در حالی که اسرائیل تمایل به آغاز مشروط این مذاکرات نشان نمی‌داد و خواهان مذاکره از ابتدا بود. پس از آن، با تغییرات در ترکیه و تقویت روابط دمشق - آنکارا، در سال ۲۰۰۴، بشار اسد خواهان میانجی‌گری آنکارا شد و در سال ۲۰۰۷، اولمرت نخست‌وزیر اسرائیل چنین درخواستی را به ترک‌ها تقدیم کرد. پنج مرحله از مذاکرات در آنکارا و استانبول انجام شد و ممکن است با استقرار دولت جدید در آمریکا، مراحل بعدی مذاکره نیز ادامه یابد. بررسی روند مذاکرات دوره حیات حافظ اسد، شرایط منطقه‌ای و بررسی رفتار طرفین مذاکره کننده و تلاش میانجی ترک، نشانگر امیدواری هر سه طرف به دستیابی به صلح می‌باشد. هرگونه توافق بین سوریه و اسرائیل، تأثیری شگرف بر آینده منطقه خواهد گذاشت. در این مذاکرات، تلاش می‌شود طرف‌های مذاکره از اطلاع‌رسانی زودهنگام و پیش از دستیابی به نتایج قطعی، اجتناب کنند. بنابراین، تحلیل مبانی مذاکرات و ارزیابی مواضع و توانایی‌ها و

موانع پیش روی هریک از طرفین، بخشی از پنهان‌کاری‌ها را شفاف خواهد کرد. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که مبانی مذاکرات سوریه و اسرائیل چیست و مذاکرات جاری چه روندی را طی کرده است؟ آیا شناخت مبانی و روند مذاکرات برای پیش‌بینی نتایج کافی است یا پیچیدگی‌های مؤثر بر مذاکرات و عوامل مؤثر بر تصمیمات هر یک از طرفین، تأثیری غیرقابل انکار و اغماض بر روند مذاکرات دارد؟ فرضیه مقاله و ادعای نویسنده این است که مبانی و روند حاکم بر مذاکرات ترکیه همان روند و مبانی مذاکرات مادرید است. در مذاکرات مادرید، به طور مشروح، تمامی اختلافات بین سوریه و اسرائیل مورد بررسی قرار گرفته و دوری مواضع طرفین به اثبات رسیده است. یاران سوریه اکنون در موقعیتی نیرومندتر از دوران حافظ اسد هستند و به‌رغم افزایش فشارها، ناکارآمدی آنها بیش از گذشته است. سیاست عملگرای سوریه نیز مانع از آن است که دمشق حاضر به کاهش یا حل اختلافات خود با اسرائیل به قیمت از دست دادن متحدین و تضعیف جبهه خویش شود. برای بررسی روند مذاکرات، لازم است ابتدا به مبانی حقوقی مذاکره بین سوریه و اسرائیل توجه شود، همانطور که طرفین به این مبانی (قطع‌نامه‌های شورای امنیت، میراث رابین و کنفرانس مادرید) توجه دارند.

مبانی حقوقی مذاکرات سوریه و اسرائیل

مبانی حقوقی مذاکرات سوریه و اسرائیل در دو قطع‌نامه ۲۴۲، ۳۳۸ مورد تأکید قرار گرفته است. در ۵ ژوئن ۱۹۶۷، اسرائیل سومین جنگ خود را باحمله به کشورهای مصر، سوریه، اردن و باقی‌مانده خاک فلسطین در غزه و کرانه غربی آغاز و ۶ روز بعد به پایان رساند. از ششم ژوئن تا ۲۲ اکتبر ۱۹۶۷، شش قطع‌نامه شورای امنیت به شماره‌های ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷ و ۲۴۰، در خصوص وضعیت سوریه و اسرائیل براساس فصل ششم منشور ملل متحد به تصویب رسید. قطع‌نامه ۲۴۲ شورای امنیت، در تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ تصویب شد. در این قطع‌نامه، قطع اقدامات جنگی، پذیرش آتش‌بس و رعایت کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو درخواست شده بود. در مقدمه قطع‌نامه بر غیرمجاز بودن دستیابی به سرزمین‌ها از طریق

اقدامات جنگی و ضرورت تلاش برای دستیابی به صلحی عادلانه و دائمی که در برگیرنده امنیت کلیه کشورهای منطقه باشد، تأکید و سپس مواد زیر توصیه شده است:

۱. اجرای اصول منشور ملل متحد در گرو ایجاد صلح عادلانه و دائمی در خاورمیانه است. شایسته است که این صلح براساس دو مبنای ذیل قرار داشته باشد:

الف. عقب‌نشینی نیروهای مسلح اسرائیل از سرزمین‌هایی که در درگیری اخیر به اشغال درآمد.

ب. کلیه ادعاها یا رفتارهای جنگی پایان یابد و به حاکمیت هر دولت موجود در منطقه و تمامیت ارضی و حق آن دولت به زندگی در صلح، در داخل مرزهایی امن و شناخته‌شده و رهایی از تهدید به نیرو یا استفاده از نیرو احترام گذاشته شود.

۲. همچنین ضرورت موارد ذیل را تأکید می‌کند:

الف. تضمین آزادی دریانوردی در راههای آبی بین‌المللی موجود در منطقه.

ب. حل و فصل عادلانه برای مشکل آوارگان.

ج. از طریق اقداماتی از جمله ایجاد مناطق غیر نظامی، امنیت سرزمین‌ها و استقلال سیاسی همه دولت‌های منطقه، تضمین شود.

۳. از دوبرکل خواسته می‌شود نماینده ویژه‌ای تعیین و به منظور تماس با دولت‌های ذیربط و فعال‌سازی توافق‌نامه و کمک به تلاش‌های انجام‌شده با هدف حل و فصل دوستانه و براساس احکام و اصول این قطع‌نامه، به منطقه اعزام نماید.

۴. از دوبرکل خواسته می‌شود در سریعترین وقت ممکن شورای امنیت را در جریان تلاش‌های نماینده ویژه خویش قرار دهد. (۳)

قطع‌نامه ۲۴۲ گویای نابرابری در توان سیاسی و قدرت نظامی اسرائیل و اعراب می‌باشد. در این قطع‌نامه، پاداش برتری نظامی اسرائیل داده شده و نسبت به تأیید کلیه خواسته‌های دولت اسرائیل تأکید شده است. این قطع‌نامه به پیشنهاد لورد کارادون نماینده بریتانیا در سازمان ملل و پس از آن مطرح شد که متن قطع‌نامه‌های پیشنهادی از سوی آمریکا و شوروی، از طرف دیگر در معرض وتو قرار گرفت. (۴)

تفاوت در بند ۲ قطع‌نامه ۲۴۲، از نکات مهمی است که تا کنون بارها مورد بهره‌برداری حکومت اسرائیل قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که پس از کنفرانس مادرید، اختلاف تفسیر در بیش از ۱۰ جلسه مذاکرات دوجانبه چالش‌ساز شد و حتی اسرائیل استدلال کرد که بر اساس این قطع‌نامه، سوریه باید از زمین‌های اسرائیل عقب‌نشینی کند. (۵) در متن انگلیسی، کلمه سرزمین‌ها^۱ بدون حرف تعریف the ذکر شده، در حالی که در سایر متن‌ها (روسی، اسپانیایی، فرانسوی و چینی) حرف تعریف مربوطه ذکر شده است. در صورت معرفی بودن، امکان تفسیر محدود شده و ضرورت عقب‌نشینی از مناطق جولان، سینا و کرانه غربی رود اردن و غزه تصریح می‌گردد؛ در حالی که در متن انگلیسی، عقب‌نشینی از تمام سرزمین‌ها مورد انتظار نیست (۶) و منحصر ساختن حقوق فلسطینی‌ها به موضوع پناهندگی و عدم تعیین راه‌های رسیدن به پایان جنگ و عبور از راه‌های آبی بین‌المللی، از دیگر امتیازات در نظر گرفته شده برای اسرائیل است. (۷)

در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۶۷ و تنها سه روز قبل از تصویب قطع‌نامه ۲۴۲، هیأت حاکمه اسرائیل مصوبه ۵۳۶ را گذراند که در آن، به وضوح مواد قطع‌نامه اخیر مطرح شده بود. در مصوبه حکومت اسرائیل، نسبت به نحوه عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی دو کشور مصر و سوریه تصمیم‌گیری شد. مطابق این مصوبه:

«اسرائیل بر مبنای شناسایی مرزهای بین‌المللی و تأمین نیازهای امنیتی اسرائیل، امضای توافق‌نامه صلح را به سوریه پیشنهاد می‌دهد. این توافق‌نامه شامل موارد ذیل است:

۱. کلیه ارتفاعات سوری که هم‌اکنون در کنترل ارتش دفاعی اسرائیل قرار دارد، از هرگونه سلاح تخلیه شود.

۲. دولت سوریه برای همیشه تعهد نماید در زمینه انتقال آب از سرچشمه‌های رود اردن که به سمت اسرائیل جاری است، دخالت نکند و تا هنگامی که توافق‌نامه صلح با سوریه امضا شود، اسرائیل بر حفظ و نگهداری مناطقی که اکنون در اختیار دارد، ادامه دهد. (۸)

پس از پیروزی اسرائیل در سه جنگ، اسرائیلی‌ها به این خودباوری دست یافتند که می‌توانند هر هجومی را سرکوب کنند و اعراب می‌دانند فاقد هرگونه توانایی نظامی معقول در مقابل اسرائیل هستند و نباید دنبال چاره‌ای نظامی باشند. (۹)

در خصوص قطع‌نامه ۳۳۸ نیز قابل ذکر است که چهارمین جنگ اعراب و اسرائیل در ۶ اکتبر ۱۹۷۳، با حمله نیروهای مصری و سوری به صحرای سینا و ارتفاعات جولان آغاز شد و مدتی بعد، پس از آنکه با کمک گسترده آمریکا، بار دیگر وضع میدان جنگ به نفع اسرائیل تعدیل شد، در ۲۲ و ۲۳ اکتبر، دو قطع‌نامه ۳۳۸ و ۳۳۹ ناظر بر اجرای آتش‌بس در دو جبهه جولان و سینا به تصویب شورای امنیت رسید. قطع‌نامه ۳۳۸ در سه بند به شرح ذیل آمده است:

۱. شورای امنیت از کلیه طرف‌های درگیر می‌خواهد حداکثر در طی ۱۲ ساعت آینده در کلیه مناطقی که اکنون در اشغال دارند، آتش‌بس را اعمال نموده و فوراً به کلیه فعالیت‌های نظامی پایان دهند.

۲. از کلیه طرف‌های ذیربط دعوت می‌نماید پس از اجرای آتش‌بس، فوراً نسبت به اجرای کامل قطع‌نامه ۲۴۲ شورای امنیت که در سال ۱۹۶۷ صادر شد، اقدام نمایند.

۳. شورای امنیت مقرر می‌دارد همزمان با اجرای آتش‌بس فوراً مذاکرات بین‌طرف‌های مربوطه، به منظور برقراری صلحی عادلانه و دائمی در خاورمیانه، تحت اشرافی مناسب آغاز گردد. (۱۰)

جنگ ۱۹۷۳ و پیروزی نسبی اعراب، به ویژه در غافلگیری ارتش اسرائیل که با کشته‌شدن حدود ۳ هزار سرباز اسرائیلی و جنگی سه‌هفته‌ای همراه بود، اسرائیل را به عدم اطمینان عمیق سوق داد. در این جنگ، نیروی عرب‌ها بسیار بیش از آن بود که اسرائیل تصور می‌کرد و تحریم نفتی عربستان این نگرانی را ایجاد کرد که چه بسا آمریکا را در نحوه حمایت از اسرائیل دچار تردید کند. (۱۱) از این رو، هنگامی که آمریکا از اسرائیل (که تا پیروزی قاطع مجدد بر اعراب فاصله زیادی نداشت و ارتش سوم مصر را در محاصره قرار داده بود و دمشق بار دیگر در تهدید قرار گرفته بود)، پذیرش آتش‌بس، اجتناب از انهدام ارتش سوم و حفظ شأن مصر را خواست، اسرائیل پاسخ مثبت داد. (۱۲) بحران اعتماد به نفس موجب شد اسرائیل

به تبعیت از آمریکا پردازد و درک نمود که از این پس باید با این واقعیت کنار آید که برای دستیابی به خواسته‌های امنیتی خود باید به امتیاز دادن‌های سرزمینی و همکاری و اعتماد به آمریکا پردازد. (۱۳) در واقع، مهمترین ثمره بلندمدت جنگ اکتبر، منجمدگشتن فکر سرزمین موعود از نیل تا فرات بود.

شکست باورهای اسرائیل و احیای نسبی روحیه اعراب، زمینه را برای امکان یافتن راه حل میانه فراهم ساخت. از این رو، دو قطع‌نامه ۲۴۲ و ۳۳۸ را می‌توان به اختصار در قالب زمین در مقابل صلح تعریف کرد. (۱۴) برداشتی که اعراب نیز از تصریح به آن ابایی نداشتند و در قطع‌نامه پایانی اجلاس سران عرب در بیروت، در ۲۸ مارس سال ۲۰۰۲، اجرای آن را به عنوان بخشی از عقب‌نشینی‌های اسرائیل، شرط برقراری روابط طبیعی با اسرائیل و پذیرش صلح فراگیر قرار دادند.^۱

مذاکرات مادرید

کنفرانس مادرید ادامه ائتلاف بین قوای واگرای دوره جنگ سرد و از نتایج سیاسی پیروزی در نبرد با عراق است که با محوریت آمریکا و یاری روسیه آغاز شد. آمریکا معتقد بود منازعه خاورمیانه برخاسته از سه عامل غیر قابل تفکیک زمین، صلح و امنیت است و طرف‌های درگیر در منازعه، برای ایجاد صلح در خاورمیانه، سه خواسته خویش را مبنی بر تمایل به زندگی در صلح، تمایل به سیطره بر سرزمین‌های تاریخی خویش و تمایل به دستیابی به امنیت اعلام کرده‌اند. (۱۵) در ۱۹ اکتبر ۱۹۹۱، در شهر بیت‌المقدس، جیمز بیکر و بوریس یانکین، وزیر خارجه آمریکا و روسیه، روز ۳۱ اکتبر را زمان برگزاری کنفرانس صلح در مادرید اسپانیا اعلام کردند تا طی سه روز، ۱۱ طرف شرکت‌کننده سخنرانی کنند و در روز چهارم، یک دور مذاکره دوجانبه بین هیأت‌ها آغاز گردد و بعد از دو هفته، دور دوم مذاکرات شروع شود.

دعوت‌شدگان عبارت بودند از هیأت فلسطینی، سوریه، لبنان، اردن، اسرائیل، مصر، اتحادیه اروپا، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه مغرب عربی، نماینده ناظر و صامت سازمان ملل

1. Document the Arab Peace Initiative 2002

متحد و دو برگزارکننده کنفرانس یعنی آمریکا و روسیه. در مجموع، در این ۱۱ طرف ۳۸ کشور حضور داشتند. (۱۶) پس از سخنرانی ۱۱ طرف شرکت‌کننده، (نماینده سازمان ملل سخنرانی نداشت) یک دور مذاکرات دوجانبه بین چهار تیم اسرائیلی و هیأت سوری، لبنانی، اردنی و فلسطینی انجام شد. (۱۷) این مذاکرات تا ۱۹۹۲/۱۲/۱۹ برای ۸ مرحله مذاکره ادواری و همین تعداد مذاکره غیر ادواری در واشنگتن ادامه یافت. هرچند نتایج حاصله اختلافات اسرائیل و اردن را قابل حل نشان داد ولی از تحقق آرمان‌های کنفرانس مادرید فاصله داشت. (۱۸) با آمدن کلپتون، مذاکرات دوجانبه ادامه یافت. مذاکرات اسرائیل - فلسطین در ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۵، اولین ثمرات خود را در توافقات همکاری اقتصادی، بهره‌برداری از منابع آبی و خروج از ۶ شهر کرانه غربی نشان داد. مذاکرات اسرائیل و اردن، روند سهل‌تری را طی کرد و در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۴، با امضای توافق‌نامه وادی عربیه، دو طرف به صلح کامل دست یافتند و سال بعد، در طرح دره اردن، به همکاری‌های اقتصادی و نهادی دست زدند، ولی در روابط با لبنان و سوریه مذاکرات به بار نشست. (۱۸)

محور دیگر کنفرانس، توافق بر اجرای مذاکرات چندجانبه بود که در ۱۹۹۲/۱/۳۰ با حضور ۲۲ کشور در مسکو برگزار شد. سوریه، لبنان و فلسطین که معتقد بودند تا هنگامی که در مذاکرات دوجانبه با اسرائیل پیشرفتی حاصل نشده نباید به حضور در مذاکرات چندجانبه تن داد، ضمن انتقاد از شرکت‌کنندگان عرب، از حضور در این اجلاس خودداری کردند. مبنای برگزاری اجلاس چندجانبه، توجه به این تئوری همگرایی بود که پیوستن و همکاری کشورها در زمینه وابستگی متقابل اقتصادی، فنی و رفاهی، آنها را از ادامه‌دادن به اختلافات سیاسی و اعتقادی باز داشته و به سمت نیازهای مشترک جدیدتر سوق خواهد داد. در این مذاکرات، ساز و کار مذاکرات دوجانبه اسرائیل با دول غیر همسایه چون بحرین و مراکش نیز دیده شد تا آنها را به پروسه صلح وارد و همگی را در یک فضای دیپلماتیک به همکاری، ارتباط و داد و ستد در زمینه موضوعاتی با ریسک پایین وارد کند و اسرائیل را پس از پنجاه سال، از انزوا نجات دهد. (۱۹) در این کنفرانس، پنج موضوع چندجانبه شناسایی شد و قرار شد هر موضوع در یکی از کمیته‌ها پیگیری شود. کمیته امور زیست‌محیطی به ریاست ژاپن، کمیته امور آب به ریاست آمریکا، کمیته نظارت بر سلاح‌های متعارف و نامتعارف به ریاست روسیه، کمیته

پی‌گیری امور پناهندگان به ریاست کانادا و کمیته توسعه و امور اقتصادی به ریاست اتحادیه اروپا تشکیل شد. یک کمیته نیز به عنوان کمیته توجیهی تشکیل شد که در آن آمریکا، روسیه، اردن، مصر و تونس به نمایندگی از اتحادیه مغرب عربی و عربستان سعودی به نمایندگی از شورای همکاری خلیج فارس حضور داشتند و مقرر شد سوریه، لبنان و فلسطین نیز با ورود به مذاکرات چندجانبه به این کمیته بپیوندند. (۲۰) این کمیته‌ها تا پایان ریاست جمهوری جرج بوش، هر کدام بین یک تا دو نشست برگزار کردند و برای نتیجه‌بخش‌گشتن مذاکرات بر ضرورت حضور سوریه و لبنان تأکید کردند. با آمدن کلینتون، هرچند پیگیری بین‌المللی و گسترده مذاکرات صلح مورد انتقاد اسرائیل بود، ولی کلینتون این روند را ادامه داد. در دسامبر ۱۹۹۶ که اسرائیل از عقب‌نشینی از شهر الخلیل اجتناب کرد و با تقسیم امنیتی شهر، نیروهای خود را در مراکز حساس آن نگه داشت و مذاکرات چندجانبه معلق و از روند صلح حذف شد، هر یک از کمیته‌ها بین ۷ تا ۸ جلسه برگزار کرده و در امور زیست‌محیطی، آب و توسعه اقتصاد منطقه‌ای، به نظرات مشترکی دست یافته، اقدام به تأسیس مؤسساتی چون مرکز مطالعات نمکزدایی در عمان، مرکز حفظ محیط زیست در بحرین و اردن، گروه کار توسعه اقتصاد منطقه‌ای در اردن کرده و در زمینه امنیت منطقه‌ای و کنترل تسلیحات، مذاکرات غیر رسمی دانشگاهی انجام و پیشنهاد ایجاد مرکز امنیت منطقه‌ای در اردن را ارائه دادند. (۲۱) این مؤسسات کارکرد و اقتداری نداشتند، ولی نفس تأسیس آنها اسرائیل را از انزوا خارج می‌کرد.

آنچه برای سوریه از اهمیت برخوردار است، نامه‌های اطمینان‌بخشی ایالات متحده است که برای سوریه، لبنان، فلسطین و اسرائیل ارسال گردید. در نامه به سوریه تأکید شد که حل فراگیر بحران خاورمیانه بر اساس قطع‌نامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ و فرمول زمین در برابر صلح، از جمله در جولان انجام می‌شود و نتیجه آن باید تأمین‌کننده امنیت و شناسایی کلیه دولت‌های منطقه از جمله اسرائیل و حقوق سیاسی مشروع مردم فلسطین باشد. آمریکا بر تصمیم خود مبنی بر تحقق صلح فراگیر، عادلانه و دائمی تأکید می‌کند و تمام توان خود را برای پیشبرد عملیات به کار خواهد بست. سازمان ملل نیز (طبق خواسته سوریه) ناظری به کنفرانس اعزام می‌کند و پیشرفت مذاکرات به اطلاع وی می‌رسد و توافقات به اطلاع دبیر کل و تأیید شورای امنیت رسانده می‌شود. به منظور نشان‌دادن پایبندی به فرمول زمین در برابر صلح، ایالات

متحده شناسایی الحاق جولان به اسرائیل و اعمال قوانین پارلمانی و اداری اسرائیل را رد می‌کند و در همین راستا، شهرک‌سازی در داخل سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ را که مشکلی در مقابل صلح است، مردود می‌شمرد. در راستای قوانین آمریکا و پیشنهاد بوش به حافظ اسد در ۳۱ مه ۱۹۹۱، آماده تضمین مرزهای مورد قبول سوریه و اسرائیل هستیم. ایالات متحده به عنوان میانجی امین در حل منازعه گام برمی‌دارد و با موافقت طرف‌ها، آماده مشارکت در کلیه مراحل مذاکره است. (۲۲)

نامه مشابهی نیز به اسرائیل ارسال شد که در محورهای مربوط به سوریه آن آمده است: «هدف اساسی از مذاکرات استقرار صلح واقعی و امضاء توافق‌نامه صلح و ایجاد روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و همسایگانش است؛ کنفرانس صلح دیدگاه‌های خود را بر کسی تحمیل نمی‌کند؛ ایالات متحده ایجاد دولت مستقل فلسطین را تأیید نمی‌کند؛ اسرائیل حق دارد دو قطع‌نامه ۲۴۲ و ۳۳۸ را به دلخواهش تفسیر کند؛ اسرائیل حق دارد به مرزهای قابل دفاع و امنی که امنیتش را تضمین می‌کند، دست یابد؛ ایالات متحده برای لغو تحریم اسرائیل از سوی اعراب و لغو قطع‌نامه سازمان ملل که صهیونیسم را از وجوه نژادپرستی برشمرد، اقدام کند؛ در طول کنفرانس، آمریکا با اسرائیل مشورت خواهد کرد؛ آمریکا اعتراف آشکار سال ۱۹۷۵ خود مبنی بر جایگاه استراتژیک جولان را تکرار می‌کند و باید اسرائیل از حمله از سمت جولان در امان باشد؛ آمریکا آماده تضمین مرزهای آینده اسرائیل و سوریه است؛ آمریکا امنیت اسرائیل را تضمین می‌کند؛ آمریکا تا کنون دیدگاه خود را در زمینه مرزها آشکار نکرده، ولی دیدگاه اسرائیل مبنی بر اینکه صلح با سوریه باید بر مبنای باقی‌ماندن اسرائیل در جولان باشد را خواسته‌ای وزین می‌داند؛ مذاکرات بر مبنای روابط یکتا و بی‌مانند ماست؛ کلید پیشرفت صلح شناسایی نیازهای امنیتی اسرائیل و همکاری نیرومند ما با هم برای تأمین این نیازمندی‌هاست.» (۲۳)

اکنون جای این سؤال باقیست که سوریه از تأکید بر کنفرانس مادرید به دنبال چیست؟ در این کنفرانس، حل منازعه خاورمیانه در چارچوبی بین‌المللی و با حضور کلیه طرف‌های تأثیرگذار مطرح شد و هرچند دوپهلوی هم‌پیمانان راهبردی اسرائیل وعده رفتار غیرجانبدارانه دادند. آمریکا بانی اصلی مذاکرات شد و به طرفین تضمین داد. دیپلماسی بین‌المللی به عنوان یکی از

مؤلفه‌های قدرت سوریه مورد استفاده قرار گرفت و رفت‌وآمدهای مکرر انزوای دمشق را منتفی کرد و تأثیرگذاری بر لبنان، استمرار سیطره دمشق بر بیروت را بی‌چالش ساخت. هرچند آمریکا از بی‌مثال دانستن روابط واشنگتن-تل‌آویو ابایی نداشت و بی‌طرف نبودن میانجی موفقیت میانجی‌گری را تضعیف می‌کرد، ولی سوریه تلاش کرد در آن شرایط ضعیف، از فرصت‌های احتمالی در ورای این واقعیت استفاده کند. اکنون نیز سوریه با غیر ممکن دانستن امکان جداسازی این دو متحد، تلاش دارد از فرصت‌های مشابه استفاده کند و مهمتر آنکه، با توجه به مذاکرات مادرید و نشست‌های یک دهه پس از آن، به عنوان مهمترین تلاش‌های صلح‌جویانه حافظ اسد، خود را پیرو همان راه اعلام کند تا از ابهام‌سازی‌ها مبرا و میراث‌دار میهن‌دوستی، قوم‌مداری و سرسختی وی بماند.

ودיעه رابین

پس از دور چهارم مذاکرات دوجانبه در واشنگتن، پیشنهادات رابین به سوریه ارائه شد. وی به تازگی نخست‌وزیر شده بود و پیش از این، اعلام کرده بود حاضر به عقب‌نشینی از بخش‌هایی از جولان است؛ زیرا اشغال این سرزمین با اهداف امنیتی انجام شده و مبنایی اعتقادی نداشته است. (۲۴) ودیعه رابین یکی از مهمترین مبانی مذاکرات بین سوریه و اسرائیل است. سوری‌ها همواره خواهان پایبندی، اجرا و اعتراف به آن از سوی دولت اسرائیل هستند. رابین معتقد بود عمق عقب‌نشینی، عمق صلح را تعیین می‌کند. حافظ اسد نیز صلح کامل را در قبال عقب‌نشینی کامل از جولان قبول داشت. (۲۵) در ۳ اوت ۱۹۹۳، رابین از وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا خواست پیشنهاد زیر را به حافظ اسد منتقل کند:

«رابین آماده است در مقابل ایالات متحده تعهد نماید که اسرائیل به زودی از کلیه بلندی‌های جولان عقب‌نشینی کند، مشروط به آنکه کلیه نیازهای اسرائیل مرتفع گردد و امضای توافق‌نامه صلح با سوریه، رهین توافق با هیچ طرف دیگری نباشد.» وی سپس نیازهای اسرائیل را در موارد زیر برشمرد:

۱. لازم است بین سوریه و اسرائیل عادی‌سازی روابط انجام شود، به گونه‌ای که روابط دیپلماتیک به طور کامل ایجاد و بعد از انجام اولین مرحله عقب‌نشینی از جولان، دو طرف به تبادل سفرا اقدام کنند. عقب‌نشینی اسرائیل از جولان، پنج سال طول خواهد کشید.
۲. عادی‌سازی روابط، ضرورتاً روابط بازرگانی و جهانگردی را شامل می‌شود.
۳. لازم است سازوکار امنیتی رضایت‌بخشی در مرزهای دو طرف ایجاد شود و ایالات متحده آمریکا مسئولیت فعال نگهداشتن ایستگاه‌های هشدار سریع جولان را بپذیرد.
۴. رفع نیازهای آبی اسرائیل تضمین شود.

رابین درخواست کرد این پیشنهادات مخفی بماند، چرا که در صورت افشاشدن آنها را کتمان خواهد کرد و از پیگیری آنها سرباز خواهد زد.

حافظ اسد تعهدات رابین را به طور کلی پذیرفت و اصولی پنجگانه را مطرح کرد که ودیعه اسد نام گرفت ولی معروف نشد. وی در این ودیعه، روابط عادی به جای عادی‌سازی روابط، عقب‌نشینی از جولان طی چند ماه، بی‌علاقگی به روابط توریستی و تجاری با اسرائیل، توازن در ترتیبات امنیتی و تأمین نیاز آبی سوریه از منابع جولان را ذکر کرده بود. (۲۶) اسد اظهار داشت خواهان عقد توافق‌نامه صلح بین اسرائیل و لبنان نیز خواهد شد، ولی زمان پنج‌ساله عقب‌نشینی از جولان را بسیار طولانی برشمرد. ملاحظه دوم اسد در خصوص عقب‌نشینی کامل بود. ملاحظه‌ای که برای مدت مدیدی پیگیری توافق‌نامه را به تأخیر انداخت. سوریه کلیه زمین‌هایی که تا روز ۴ ژوئن ۱۹۶۷ تحت سیطره ارتش این کشور در جولان قرار داشت را سوری می‌دانست؛ در حالی که رابین خطوط مرزی سال ۱۹۲۳ را قبول داشت. چشم‌پوشی سوریه از زمین‌هایش غیرممکن بود؛ چرا که هر وجب از خاک خود را مقدس می‌دانست. اسرائیل نیز قادر به چشم‌پوشی از این زمین‌ها نبود، زیرا سیطره بر آنها را از شروط اساسی حفظ کنترل بر آبهای جولان، که در رودهای اردن و حاصبانی جاری بود، برمی‌شمرد. (۲۷) سومین ملاحظه حافظ اسد نیز مربوط به صلح بود. او می‌دانست (بدون جنگ یا) بدون صلح با اسرائیل نمی‌تواند سرزمین‌هایی را که در سال ۱۹۶۷، یعنی در زمانی که خودش وزیر دفاع سوریه بود، از دست داد، باز پس بگیرد، ولی به کیفیت و سطح این صلح توجهی نداشت. وی صرفاً خواهان روابط غیر جنگی با اسرائیل بود؛ از نوع روابطی که در آن سال‌ها با ترکیه

داشت، یعنی روابطی که گرمایی نداشت و گاه خصمانه یا رقابت‌آمیز می‌شد. (۲۸) مهم این بود که نقشه قابل شناسایی معتبری از خط ۴ ژوئن ۱۹۶۷ وجود ندارد و خط مرزی رسمی موجود در نقشه‌ها، همان خط مرزی ۱۹۲۳ است که توسط انگلیس و فرانسه به عنوان قیم فلسطین و سوریه رسم شده بود. نیروهای سوریه در جنگ سال ۱۹۴۸، با عبور از این خط به سمت غرب جولان حمله کرده و ۶۶ تا ۷۰ کیلومتر از این مناطق را تصرف کردند. پس از انعقاد توافق‌نامه آتش‌بس با اسرائیل، سوریه از این مناطق خارج شد و مناطق مذکور به عنوان مناطق خالی از نیروی نظامی تعیین گردید. در ۱۹۵۶، اسرائیل بیش از دو سوم این سرزمین‌ها را تصرف کرد و ثلث باقی‌مانده، از جمله روستای الحمه به تصرف نیروهای سوری درآمد که در ۴ ژوئن، این مناطق نیز از سوریه گرفته شد. تا سال ۱۹۶۷، اتباع اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی اقدام به کشاورزی می‌کردند، ولی هدف تیراندازی نیروهای سوری قرار می‌گرفتند. (۲۹) خط ۱۹۲۳ منطبق بر خط مرزی ۱۹۶۷، در ۱۰ متری ساحل شرقی دریاچه طبریا قرار دارد. رابین همین فاصله را برای منع نیروهای سوریه از حضور در دریاچه طبریا کافی می‌دانست. (۳۰)

در ۴ نوامبر ۱۹۹۵، رابین توسط یک صهیونیست دیگر به هلاکت رسید، ولی مذاکرات ادامه یافت. مذاکرات به جز یک دوره، بر مبنای ودیعه رابین انجام شد.

مذاکرات صلح در زمان صدارت نتانیاهو

تنها مورد استثنای مذاکرات، دوره نخست‌وزیری بنیامین نتانیاهو (۲۹ مه ۱۹۹۷-۱۷ مه ۱۹۹۹) بود که بدون اطلاع دولت آمریکا انجام شد، ولی در چارچوبی بود که ودیعه رابین نیز قبلاً به آنها پرداخته بود. بدون تصریح به این ودیعه، مذاکرات از تابستان ۱۹۹۸ با وساطت تاجری آمریکایی به نام رونالد لاودر ادامه یافت و سپس لاودر توافقات دهگانه ذیل با اسد را به اطلاع کلینتون رساند که موارد اختلافی آن داخل پراکنش ذکر شده بود، ولی با تردید آمریکا و عدم تأیید اسد روبرو شد. (۳۱) لاودر اکنون رئیس کنگره جهانی یهود است.

۱. با امضاء توافق‌نامه صلح بین دو کشور به وضعیت جنگی پایان داده می‌شود.
۲. اسرائیل نیروهای خود را از سرزمین‌های اشغال‌شده در سال ۱۹۶۷ عقب خواهد کشید و به مرزهای مورد قبول بین‌المللی که در سال ۱۹۲۳ رسم شده است، منتقل خواهد کرد.

۳. عقب‌نشینی طی سه مرحله انجام خواهد شد. (ولی زمان لازم برای این سه مرحله مورد اتفاق نیست. اسد هجده‌ماه و نتانیاهو سی‌ماه را قبول دارد)
 ۴. همزمان با امضای توافق‌نامه صلح سوریه - اسرائیل، لبنان نیز توافق‌نامه صلح با اسرائیل را امضا خواهد کرد و سوریه بیشترین تلاش خود را مبدول خواهد داشت تا بیش از این، عملیات شبه‌نظامی و خصمانه از خاک لبنان بر علیه اسرائیل انجام نشود.
 ۵. در زمینه ترتیبات امنیتی که به صورت non paper و تحت عنوان اهداف و اصول می‌باشد، لازم است متن رسمی مورد توافقی نوشته شود.
 ۶. سه منطقه در مرز دو کشور تعیین می‌شود. منطقه غیر نظامی، منطقه دارای سلاح محدود و منطقه خالی از سلاح‌های تهاجمی. (اسد محدوده هر یک از این سه منطقه را در خاک سوریه تعیین کرد) جولان منطقه فاقد تسلیحات می‌باشد و منطقه خالی از سلاح‌های تهاجمی تا اتوبان دمشق گسترش می‌یابد.
 ۷. ادامه استقرار ایستگاه‌های هشدار سریع بر بلندی‌های جولان ممکن است، ولی لازم است در این ایستگاه‌ها نیروهای چندملیتی آمریکایی - فرانسوی - سوری حضور داشته باشند. (اشاره‌ای به حضور نیروهای اسرائیلی نیز شده است)
 ۸. برقراری روابط کامل براساس قوانین موجود در هر دو سرزمین انجام می‌شود.
 ۹. با نیازها و حق بهره‌برداری از آب براساس قوانین بین‌المللی عمل می‌شود.
 ۱۰. سوریه برای صلح کلیه کشورهای منطقه با اسرائیل تلاش خواهد کرد. (۳۲)
- تعدادی از منابع خبری بعداً اعلام کردند ابتدا قرار بود ۱۰ سال بعد از خروج از جولان اسرائیل ایستگاه‌های هشدار سریع را تخلیه کند، ولی نتانیاهو خواهان استقرار ۱۵ ساله در جولان شد و حافظ اسد موافقت کرد. (۳۳)

مذاکرات صلح در زمان صدارت باراک

پس از آنکه ایهود باراک در رقابت انتخاباتی بر نتانیاهو پیروز شد، در سفر ژوئیه ۱۹۹۹ به واشنگتن، عدم التزام خود به ودیعه رابین را به اطلاع رساند (۳۴)؛ زیرا آن را موجب تضعیف سیطره بر منابع آبی جولان می‌دانست. با این حال، برای دستیابی به صلح با اسد اصرار داشت

و همچون رابین معتقد بود که توافق‌نامه صلح با سوریه از سیل خطراتی که از سوی ایران و عراق متوجه اسرائیل است، جلوگیری خواهد نمود. از این رو، باید برای قطع تأثیر ایران و عراق، پرونده‌ای مشترک با سوریه ایجاد کرد (۳۵) و در نهایت نیز با این توضیح که تاریخ را نمی‌توان محو کرد، ودیعه را پذیرفت. (۳۶)

مذاکرات مستقیم سوریه و اسرائیل در نوامبر ۱۹۹۹، به نشست در شهر شفرزتاون آمریکا منجر شد. تا این نشست، مواضع هر یک از طرفین در موضوعات اصلی مرزها، آب‌ها، صلح و ترتیبات امنیتی به شرح ذیل بود.

۱. در زمینه امور مرزی، موضع اسرائیل عقب‌نشینی از تمام ارتفاعات جولان بجز نوار باریکی در طول شمال شرقی دریاچه طبریا و نوار باریک مشابهی در حاشیه رود اردن در شمال شرق دریاچه طبریا بود. در حالی که طرف سوری می‌خواست عقب‌نشینی کامل از جولان تا خط ۴ ژوئن ۱۹۶۷ انجام شود. این خط در شمال شرقی دریاچه طبریا فقط ۱۰ متر خارج از ساحل دریاچه قرار دارد. (۳۷) در خصوص زمان اجرای عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از جولان، اسرائیلی‌ها سه سال را لازم می‌دانستند، در حالی که سوری‌ها با بیش از هجده‌ماه موافق نبودند. (۳۸)

۲. در زمینه آب، اسرائیلی‌ها خواهان تعیین سازوکاری برای نظارت بر کمیت و کیفیت آب‌های جولان بودند تا کیفیت و کمیت آب ریخته‌شده به دریاچه طبریا تغییر نکند. در حالی که طرف سوری فقط حاضر بود در این زمینه ضمانت شفاهی بدهد، ولی از آمریکا می‌خواستند تضمین مشابهی در زمینه ورود آب از ترکیه به سوریه بدهد. (۳۹)

۳. در زمینه صلح، طرف اسرائیلی خواهان برقراری روابط دیپلماتیک کامل بود که در اولین مرحله از عقب‌نشینی ارتش اسرائیل از جولان انجام می‌شد؛ یعنی پس از عقب‌نشینی جزیی از جولان، سفارت دو کشور افتتاح می‌شد. از سوی دیگر، اسرائیلی‌ها خواهان آن بودند که معاهده صلح دارای مبانی زیربنایی از جمله روابط کامل اقتصادی، تجاری، توریستی، بانکی، ارتباطات، هوایمایی، پست و غیره باشد.

در مقابل، سوری‌ها خواهان افتتاح سفارت در دو پایتخت پس از عقب‌نشینی کامل اسرائیل از جولان بودند و با اعزام هیأت دیپلماتیک مقدماتی و محدود، صرفاً در ۴ تا ۶ ماه قبل از

پایان عقب‌نشینی مشکلی نداشتند. از سوی دیگر خواهان توافق‌نامه صلح ساده‌تری بودند که صرفاً به برقراری روابط دیپلماتیک، تجاری و گردش‌گری می‌پرداخت. (۴۰)

۴. در زمینه ترتیبات امنیتی، طرف اسرائیلی خواهان حضور محدود در یکی از ایستگاه‌های هشدار سریع جبل‌الشیخ برای بعد از عقب‌نشینی بود. از سوی دیگر خواهان ایجاد سه منطقه غیر مسلح یا با محدودیت سلاح در مرز سوریه بود که حداقل تا دمشق ادامه پیدا می‌کرد و در سمت داخل مرز اسرائیل نیز با ایجاد مناطقی با سلاح محدود موافق بودند، ولی مناطق غیر مسلح را نمی‌پذیرفتند. در مقابل، سوری‌ها به گسترش منطقه غیرنظامی خویش تا دمشق راضی نبودند و حضور نیروهای اسرائیلی در ایستگاه‌های هشدار سریع را پس از عقب‌نشینی قبول نداشتند. (۴۱) بعداً باراک تصریح کرد که اسرائیل حتی بعد از عقب‌نشینی از جولان خواهان حضور در یکی از ایستگاه‌های هشدار سریع می‌باشد. (۴۲)

در مذاکرات شفرزتاون، ابتدا سوری‌ها مواضع خود را تسهیل کردند و سپس اسرائیل به این اقدام دست زد، ولی عدم تطابق زمانی این دو رفتار، ثمره‌ای جز شکست نداشت.

پارک صلح

به منظور دستیابی به راه حلی میانه که سوریه به زمین و اسرائیل به آب و امنیت دست یابد، اوری ساگی رئیس بازنشسته ضد اطلاعات ارتش اسرائیل و نماینده باراک، در اولین دور مذاکرات سری ژنو، ایجاد پارک صلح در شرق طبریا را به ریاض داوودی پیشنهاد داد، به گونه‌ای که رفت‌وآمد اتباع اسرائیلی در این منطقه آزاد، ولی حاکمیت آن با سوریه باشد. ریاض داوودی نیز وسعت این پارک به عرض ۵۰ متر و به طول شرق دریایچه طبریا را قابل مذاکره دانست، ولی نماینده اسرائیل عرضی بیشتر را مد نظر داشت تا نیروهای سوری در فاصله‌ای دورتر فرار گیرند. (۴۳) از گسترش این پارک به مرزهای سمت رود اردن صحبتی نشد و حاکمیت سوریه نیز محل تردید نبود. در سفر سپتامبر ۱۹۹۹، فاروق الشرع به آمریکا، وی نیز به پذیرش پارک صلح روی خوش نشان داد مشروط به آنکه در حاکمیت سوریه هیچ تردیدی به وجود نیاید. (۴۴) ولی هنگامی که این موضوع با باراک مطرح شد، وی گفت حاکمیت این منطقه متعلق به اسرائیل است، ولی به اتباع سوری اجازه می‌دهیم به دریایچه طبریا دسترسی

داشته و برای تفریح، آب کشاورزی و ماهیگیری از آن استفاده کنند. (۴۵) از این رو، در پاسخ به نامه کلیتون در نوامبر ۱۹۹۹، حافظ اسد تصریح کرد سوریه دارای حقوقی در دریاچه طبریاست و خواهان آن می‌باشد. (۴۶) به منظور حفظ سیطره بر منابع آبی، در فوریه ۲۰۰۰، باراک خواستار تعدیل مرزها شد و درخواست کرد مرز سوریه بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ متر با شرق دریاچه طبریا فاصله داشته باشد (وی بعداً این فاصله را به ۴۰۰ متر کاهش داد). (۴۷) و در شرق رود اردن نیز این فاصله حدود ۵۰۰ متر باشد. از سوی دیگر، به‌رغم اینکه از سال ۱۹۶۷ تا سال ۲۰۰۰ مصب رود اردن چند صدمتر به سمت داخل خاک اسرائیل منحرف شد، ولی باراک اصرار کرد مرز دو کشور براساس نقشه ۱۹۶۷ تعیین شود که در این صورت، گاه رود اردن یک کیلومتر از مرز سوریه - اسرائیل فاصله می‌گرفت. (۴۸) طرف سوری در نشست شفرزتاون پذیرفت که می‌تواند مرزها را در حاشیه رود اردن به عمق ۵۰ متر تعدیل کند تا نیازهای طرفین تأمین شود، ولی طرف اسرائیلی آمادگی تصمیم‌گیری در این حد را نداشت. (۴۹) چندی بعد، هنگامی که کلیتون با اسد در ۲۶ مارس ۲۰۰۰ در ژنو ملاقات کرد، اسد هرگونه تعدیل بر خط مرزی ۴ ژوئن ۱۹۶۷ را رد کرد و در زمینه عقب‌نشینی مرزی در حاشیه دریاچه طبریا نیز این اصل را که اسرائیل در آب و سوریه در خاک حاکمیت داشته باشد را نپذیرفت و تصریح کرد تا هنگامی که دریاچه طبریا متعلق به ما بود، هیچگاه اسرائیلی‌ها مالکیتی نداشتند. در شرق دریاچه طبریا، هیچگاه یهودی حضور نداشته و اگر با آنچه باراک خواسته موافقت کند، حتی یک روز هم نمی‌تواند به حکومت خود ادامه دهد. (۵۰)

مناطق امنیتی

در زمینه امور امنیتی، چون فاصله دمشق با خط مرزی ۴ ژوئن ۱۹۶۷ حدود ۷۰ کیلومتر بیشتر نیست و سوریه همواره باید برای حفظ پایتخت، نیروی زیادی در این منطقه داشته باشد. (۵۱) در ابتدا سوری‌ها معتقد بودند ترتیبات امنیتی در دو طرف مرز وضعیتی مشابه داشته باشد، در حالی که به دلیل عمق کم سرزمینی و وجود شهرهای اسرائیل در نزدیکی مرز، رابین تساوی را رد می‌کرد. (۵۲) در نشست شفرزتاون، سوری‌ها که با عدم یکسانی عمق مناطق

امنیتی در طرفین مرز موافقت کرده بودند، پذیرفتند عمق هر یک از سه منطقه امنیتی در طرف سوریه ۱۰ و در طرف اسرائیلی، ۵ کیلومتر باشد. (۵۳)

ایستگاه مراقبت

سوریه و اسرائیل با نظارت و مراقبت فعال (بازرسی) و منفعل (دوربین) گسترده از نیروهای زمینی و انبارهای مهمات و واحدهای پشتیبانی موافقت کردند. (۵۴) در فوریه ۲۰۰۰، باراک درخواست کرد در ایستگاه هشدار سریع جبل‌الشیخ برای مدت ۷ الی ۸ سال حدود ۱۰ نیروی اسرائیلی حضور داشته باشند (چند روز بعد باراک حضور در جبل‌الشیخ را ۷ سرباز برای ۵ سال و مدت عقب‌نشینی را به ۳/۵ سال کاهش داد). تا مطمئن شود در معرض غافلگیری قرار نمی‌گیرد و در این مدت، راههای دیگر جمع‌آوری اطلاعات برای اسرائیل تأمین شود.

سوریه از ابتدا ایستگاه‌های هشدار سریع در ارتفاعات جولان را چهره آشکار اشغال‌گری می‌دانست، در حالی که اسرائیل بر استقرار ایستگاه‌های مراقبت زمینی در جولان و تصویربرداری و پرواز شناسایی مستمر هواپیماها و ماهواره‌ها از این مناطق و ارسال تصاویر به ایستگاه‌های مراقبت زمینی، تأکید می‌کرد. در مقابل، سوریه معتقد بود استفاده از ماهواره مستلزم داشتن ایستگاه‌های زمینی در خاک جولان نیست، همانطور که در صحرای سینا چنین ایستگاه‌هایی وجود ندارد. (۵۵) در سفر فاروق الشرع به آمریکا، در سپتامبر ۱۹۹۹، وی برای اولین مرتبه، نزد کلبیتون اظهار داشت که از نظر سوریه این امکان وجود دارد که ایستگاه‌های هشدار سریع ارتفاعات جولان توسط نیروهای آمریکایی و تحت پرچم سازمان ملل اداره شود، ولی حاضر به حضور نیروهای اسرائیلی نیستند. (۵۶) بند دیگر پیشنهادات نیز اقدامات اعتمادسازی و شفاف‌سازی بود که مورد موافقت قرار گرفت و قرار شد کلیه مانورهای نظامی به استعداد یک لشکر یا بیش از یک لشکر و هرگونه عملیات بسیج یا تمرکز نیرو، به طرف مقابل اطلاع داده شود. با این حال، بعداً حافظ اسد با اشاره به رابطه استقرار ایستگاه‌ها با بی‌اعتمادی، ضمن رد درخواست اسرائیل اظهار داشت اگر اسرائیلی‌ها از موضوع داشتن ایستگاه‌های زمینی مراقبت در جولان به هر طریق که باشد، صرف نظر نکنند، استمرار مذاکرات مقامات نظامی هیچ ضرورتی ندارد. (۵۷) از این رو، باراک پیشنهاد داد اگر قرار باشد

به جای ایستگاه هشدار سریع، ایستگاه‌های مراقبت در جولان بدون حضور افسران اسرائیلی مستقر شود، اسرائیل باید افسران و کارکنان آن را بشناسد. وی گفت ضرورتی نمی‌بیند مناطق امنیتی سوریه تا دمشق ادامه پیدا کند و می‌تواند درخواست جابه‌جایی نیروهای سوریه به اطراف دمشق را نیز کنار بگذارد، ولی باید با استفاده از دوربین، جنوب سوریه حتی در محدوده‌ای فراتر از آنچه پیش‌بینی شده بود، تحت کنترل قرار گیرد و اگر تصویربرداری دوربین‌ها با اخلال روبرو شود، ارتش اسرائیل به حال آماده‌باش در خواهد آمد. (۵۸) این خواسته‌ها در ملاقات کلیتون - اسد در ژنو، در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۰۰، توسط اسد رد شد. (۵۹)

صلح و عادی‌سازی روابط

باراک در فوریه ۲۰۰۰ اعلام کرد در زمینه عادی‌سازی روابط نیازمند آن است که اشاره واضحی به رسیدن روزهایی نو وجود داشته باشد و این خواسته با بازگشایی مرزها و سفارتخانه‌های دو کشور شکل می‌گیرد که سه تا چهار ماه بعد از آغاز عقب‌نشینی از جولان انجام خواهد شد. در صورت مشاهده نیات پاک می‌توان در زمان‌بندی انجام مراحل عقب‌نشینی راحت‌تر عمل کرد. در ضمن، لازم است بقایای اجساد ایلی کوهن (جاسوس معدوم اسرائیلی) و سه سرباز اسرائیلی که در نبرد سلطان یعقوب در لبنان در سال ۱۹۸۲ مفقود شدند (بومال، فلدمان - کاتز)، به اسرائیل عودت و سرنوشت رون آراد نیز که در همان نبرد اسیر شد، معلوم شود. (۶۰)

پیش‌نویس توافق‌نامه پیشنهادی صلح

در ۸ ژانویه سال ۲۰۰۰، دولت آمریکا در ادامه مذاکرات شفردزتاون، پیش‌نویس توافق‌نامه صلحی را به همین نام به طرفین ارائه داد. این توافق‌نامه، ۹ بند و چندین پیوست داشت. پس از مقدمه که به قطع‌نامه‌های ۲۴۲، ۳۳۸ و مذاکرات مادرید اشاره کرده بود، در بند اول، پایان وضعیت جنگی بین دو طرف تأیید شده و تعهدات کلی طرفین همچون ایجاد روابط طبیعی و

صلح‌آمیز، تعیین خط مرزی بر اساس عقب‌نشینی^۱ به خط مرزی ۱۹۶۷ یا بازاستقرار^۲ بر مبنای نیازهای امنیتی اسرائیل مطرح شده بود.

در بند دوم، با اشاره به تعیین و به رسمیت شناخته شدن خطوط مرزی و متعلقات آن همچون مرز هوایی و آبی، ایجاد کمیته مرزی پیش‌بینی شد.

در بند سوم، روابط صلح‌آمیز بر مبنای اصول شناخته‌شده منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل و برقراری روابط کامل سیاسی و کنسولی، ایجاد ارتباطات صادقانه مجاورت و همسایگی قرار داده شد. حسن مجاورت، همه‌گونه روابط از رفت‌وآمد گسترده اتباع و کالا و خدمات، مبارزه با انتقال مواد مخدر و همکاری در یافتن گمشدگان را شامل می‌شد و رویکرد اسرائیل به روابط را دنبال کرده بود.

در بند چهارم، موضوع امنیتی مطرح شد. در این ماده، محدودیت در حفظ آمادگی و فعالیت نیروها و سلاح‌ها و زیرساخت‌های نظامی مطرح شد. خلع سلاح نابرابر در دو سوی خط مرزی علاوه بر منطقه خلع سلاح شده سوریه در توافق‌نامه ۱۹۷۴ (نظر اسرائیل) در مقابل خلع سلاح برابر در دو سوی خط مرزی (نظر سوریه)، به عنوان اختلاف ذکر شده بود. هر دو طرف حق داشتند در منطقه خلع سلاح شده، صرفاً نیروی پلیس داشته باشند. اسرائیل خواهان منع پرواز در این مناطق مگر طی ترتیباتی خاص بود. مراکز هشدار سریع نیز پیش‌بینی شده بود. استقرار یک واحد هشدار سریع بر روی ارتفاعات حرمون نیز پیش‌بینی شد که اسرائیل خواهان حضور گسترده در آن بود، ولی سوریه در پی حضور و مسئولیت‌پذیری نیروهای آمریکایی و فرانسوی در آن بود. سازوکاری نیز برای نظارت، بازرسی و راستی‌آزمایی نحوه اجرای ترتیبات امنیتی پیش‌بینی شد که اسرائیل آن را بر مبنای حضور مشترک نیروهای سوریه-اسرائیلی و حضور نیروهای چندملیتی و استفاده از ابزار فنی می‌دانست، ولی سوریه صرفاً به حضور نیروهای بین‌المللی راضی بود. جزئیاتی چون قلمرو نظارت و محل استقرار تیم و سایر ترتیبات نیز در سند الحاقی بررسی می‌شد. اقدامات امنیتی دیگری نیز پیش‌بینی شده بود تا زمینه هرگونه دشمنی را از بین ببرد. هریک از طرفین متعهد می‌گردید از دادن

1. withdraw
2. relocate

امکانات یا همکاری خصمانه با طرف ثالث بر علیه طرف متعاقد، خواه در سرزمین خود و خواه در سرزمین‌های تحت کنترل (مثل لبنان در ایام حضور نیروهای سوری در آن)، خودداری و از تحریک و تشویق اقدامات تهدیدآمیز بر علیه دیگری اجتناب کند و با اتخاذ شیوه‌های لازم، اجازه چنین رفتاری را به اتباع خود یا اتباع سرزمین تحت کنترل (مثل حزب‌الله) نیز ندهد. موضوع محکومیت هر شکل از تروریسم، از دیگر تعهدات امنیتی بود. سازوکاری برای مبادله معلومات و حل و فصل سریع اختلافات و تسهیل اقدامات امنیتی نیز پیش‌بینی شد.

بند پنجم به مباحث آبی بین دو طرف پرداخته بود. شفاف‌سازی موضوعات آبی از مبانی صلح پایدار و دائمی تلقی شده و اصرار سوریه مبنی بر شفاف‌سازی مبتنی بر حقوق بین‌الملل قابل بحث بود. ترتیبات رعایت حقوق آبی اسرائیل از زمین‌هایی که به دنبال اجرای بند اول این توافق‌نامه تخلیه می‌شدند، جای بحث داشت. اسرائیل خواهان استقرار سازوکاری بود که بهره‌برداری کمی و کیفی زمان حال اسرائیل از منابع آبی را تضمین کند، در حالی که سوریه به دنبال توافق مشترکی در زمینه نظارت بر کیفیت بهره‌برداری از این منابع بود. اسرائیل اصرار داشت این ترتیبات مانع آلودگی یا نقصان در منابع آبی دریاچه طبریا و رود اردن گردد. در زمینه اجرای این سازوکار، اسرائیل بر ایجاد کمیته مشترک و مکانیسم تقویت و نظارت عالی‌تر تأکید داشت، ولی سوریه ایجاد مرکز مدیریت مشترک را تأیید می‌کرد.

بند ششم، تعهدات و حقوق طرفین را مطرح می‌کرد. بر این اساس، هریک از طرفین وظیفه داشت فارغ از اقدام یا عدم اقدام طرف دیگر، تعهدات خود را با حسن نیت انجام دهد. تعهد به عدم پذیرش هرگونه الزام منافی و مخالف تعهدات این موافقت‌نامه، تعهد به قطعی و الزام‌آور بودن مفاد این توافق‌نامه نسبت به هرگونه تعهد و توافق دیگر هر یک از طرفین نیز پیش‌بینی شد. بندهای ۷ تا ۹ نیز به نحوه قانونی‌سازی این توافق‌نامه، مذاکره در صورت بروز اختلاف در تفسیر و ثبت توافق‌نامه در سازمان ملل پرداخته بود. این پیش‌نویس و نقشه موجود برای طرح در مذاکرات بین کلینتون و اسد آماده شده بود، ولی مذاکره اسد و کلینتون در ژنو قبل از رسیدن به بحث در نحوه عادی‌سازی روابط قطع شد. (۶۱)



(www.jewishvirtuallibrary.org/Golan Heights Security Map) Golan Heights As Presented to Assad (2000)

مذاکرات ترکیه

در سال ۲۰۰۴ که موقعیت سوریه در لبنان سقوط کرده و با اشغال عراق جایگاه منطقه‌ای دمشق به پایین‌ترین حد نزدیک شده بود، بشار اسد در سفر به ترکیه، میانجی‌گری آنکارا را مطرح کرد. در سال ۲۰۰۷ هم که اولمرت نخست‌وزیر اسرائیل، بزرگترین متهم شکست اسرائیل از حزب‌الله معرفی شده بود، او چنین درخواستی را به ترکیه تقدیم کرد. اولین دور مذاکرات در مه ۲۰۰۸ آغاز شد؛ هرچند گویا قبل از این تاریخ نیز مذاکراتی غیر رسمی انجام شده بود. گفته می‌شود ابراهیم سلیمان، تاجر سوریه، از طریق سفیران ترکیه در دمشق و تل‌آویو

چند دور مذاکره انجام داده بود. قبلاً نیز شایعاتی از مذاکرات غیرمستقیم ماهر اسد به گوش رسیده بود. منابعی در وزارت خارجه اسرائیل نیز ادعا کردند یورام توربوویچ، در اواخر فوریه ۲۰۰۸ در دمشق با حضور سرلشکر محمد ناصیف معاون فاروق الشرع با بشار اسد ملاقات کرده است.

دور اول مذاکرات

دور اول مذاکرات سوریه- اسرائیل از ۱۹ مه ۲۰۰۸، به مدت سه روز، به طور غیرمستقیم در آنکارا برگزار شد. این مذاکرات به صورت کتبی انجام و توسط طرف ترک مبادله شد. ریاست تیم مذاکره‌کننده سوریه، دکتر ریاض داوودی، دستیار حقوقی وزارت خارجه و مشاور غیررسمی رئیس‌جمهور سوریه بود که ضمن حضور همراه با ولید معلم در مذاکرات مادرید، در جلسات حقوقی مهم دیگری نیز شرکت کرده است. او عضو کمیته حقوق بین‌الملل سازمان ملل است. ریاست تیم مذاکره‌کننده اسرائیلی را نیز یورام توربوویچ، رئیس گروه مشاوران نخست‌وزیر اسرائیل بر عهده داشت.

با پایان اولین دور مذاکرات، ولید معلم وزیر خارجه سوریه اعلام کرد هدف از برگزاری مذاکرات غیرمستقیم، اطمینان‌یافتن از جدیت طرف اسرائیلی برای انجام مذاکرات رودررو و ایجاد زمینه مناسب برای انجام مذاکرات مستقیم به منظور ایجاد صلح عادلانه و فراگیر در منطقه خاورمیانه بر مبنای توافق‌نامه مادرید است و تعهدات لازم برای عقب‌نشینی اسرائیل از جولان و بازگشت به خط مرزی ۴ ژوئن ۱۹۶۷ را اخذ کرده‌ایم. وی از تلاش دوساله نخست‌وزیر ترکیه (اردوغان) برای برگزاری این مذاکرات تشکر کرد. در مقابل اظهارات مقام سوری، وزیر خارجه اسرائیل قطع روابط سوریه با تهران، حزب‌الله و حماس را گامی ضروری و مقدم بر هرگونه توافق‌نامه صلح بین دو کشور برشمرد و معاون وزیر دفاع اسرائیل، هدف از مذاکرات را خارج‌ساختن سوریه از جمع جنگجویان جبهه شمالی (تهران، دمشق، حزب‌الله) دانست. نخست‌وزیر اولمرت و وزیر دفاع این رژیم، ایهود باراک نیز ضمن طولانی‌شمردن مسیر مذاکرات، بر ضرورت هوشیاری اسرائیل و بهره‌برداری از موضع قدرت تأکید و تصریح نمودند. هر دو طرف می‌دانند که در این مذاکرات باید از مواضع خود کوتاه آمد و

کوتاه آمدن‌های دردناکی را تحمل کنند. جالب است که در مذاکرات دوجانبه واشنگتن نیز اسرائیل خواهان قطع روابط دمشق با تهران و حزب‌الله بود و اکنون گروه‌های فلسطینی نیز به این محور افزوده شده‌اند. (۶۲)

روزنامه هاآرتص نیز از قول افسران امنیتی اسرائیل ابراز نمود که در مذاکره نرمش‌هایی از سوی سوریه به چشم می‌خورد. این نرمش‌ها ناظر بر موقعیت دقیق خط مرزی، نحوه تقسیم آب جولان و ترتیبات امنیتی است، ولی نسبت به دورشدن عملی سوریه از روابط گسترده با ایران و حزب‌الله تردید دارند؛ هرچند معتقد هستند از این پس، سوریه حمایت از حملات برضد اسرائیل را کنار خواهد گذاشت. این روزنامه تصریح نمود اسرائیل در قبال تأثیرات امنیتی خروج از جولان، خواهان غیرنظامی‌شدن بخش وسیعی از جولان و مناطق مجاور در خاک سوریه می‌باشد و برقراری ایستگاه‌های هشدار سریع را مد نظر دارد. تلاش دو ساله پنهان اردوغان حاکی از پیام‌های مبادله‌شده دو طرف توسط ترکیه است. تلاش سوریه برای بازپس‌گیری جولان قابل درک است، ولی افشای مذاکرات، نشانه نیاز اولمرت برای اعاده حیثیت خدشه‌دارش قلمداد می‌شود. سوریه و حزب کادیما خواهان ادامه مذاکرات هستند.

آغاز مذاکرات سوریه- اسرائیل در داخل این رژیم مجادلات و انتقادات گسترده‌ای را از سوی رهبران احزاب شام و لیکود و صهیونیست‌های مخالف خروج از جولان، که این اقدام را تهدید واقعی اسرائیل می‌دانند، ایجاد کرد. نتانیاها، اولمرت را به دلیل اتهامات قضایی وارده فاقد صلاحیت مذاکره با سوریه دانست و ۵۷ نماینده کنیست از جمله ۶ نماینده حزب کادیما تصمیم به تقدیم طرحی کردند که هرگونه عقب‌نشینی از جولان نیازمند کسب ۸۰ رای مثبت نمایندگان باشد، در حالی که تا پیش از این، ۶۱ رای (نصف+۱) برای تأیید عقب‌نشینی از جولان کافی بود. در صحنه بین‌المللی نیز تیری رود لارسن از مذاکرات با سوریه انتقاد کرد و آن را هدیه‌ای بدون مابه‌ازا به سوریه، برای خروج از انزوا دانست. (۶۳)

اولین دور گفتگوها از سوی روسیه، فرانسه و دبیرکل سازمان ملل متحد مورد استقبال قرار گرفت و اتحادیه اروپا محتاطانه بر پیگیری آن تأکید کرد. با این حال، دولت آمریکا با این مذاکرات با سردی بیشتری برخورد کرد و کاخ سفید بر عدم مداخله در مذاکرات تأکید نمود. سخنگوی کاخ سفید، خانم دیانا پرونی، انجام مذاکرات را تصمیمی اسرائیلی دانست که آمریکا

را غافلگیر ساخته، ولی به آن نیز اعتراض نخواهد کرد. وی اضافه کرد آرزو داریم این نشست به حل نگرانی‌های فراوانی که نسبت به حمایت سوریه از تروریسم و سرکوب مردم آن کشور داریم، کمک کند، ولی معاون وزیر خارجه (دیوید ولش) با تأیید نقش ترکیه و اطلاع از مذاکرات، رسیدن به توافق‌نامه‌ای با سوریه را مفید دانست. (۶۴) میانجی‌گران ترک اشاره کردند که اسرائیل خواهان برگزاری مذاکرات مستقیم است ولی طرف سوری از انجام آن اجتناب می‌کند. در مذاکرات با کوشنر، وزیر خارجه فرانسه نیز طرف اسرائیلی به انجام مذاکرات همزمان با طرف فلسطینی اشاره و احتمال عقد توافق‌نامه با سوریه را از عقد توافق‌نامه با فلسطینی‌ها نزدیکتر دانست. (۶۵) گفته شد بر اساس اطلاعات غیر رسمی برآمده از مذاکرات، اسرائیل با افزایش سطح درخواست‌ها، دیگر راضی به پذیرش بازگشت به مرز ۴ ژوئن ۱۹۶۷ نیست و بر عقب‌نشینی تا مرز ۱۹۲۳ اصرار دارد و تلاش می‌کند در جنوب و شرق دریاچه به خشکی دست یابد تا امکان دستیابی سوریه، به آب را از بین ببرد. علاوه بر خلع سلاح منطقه جولان، جنوب سوریه تا دمشق نیز منطقه‌ای غیرمسلح شود و نیروهای این کشور به پایگاه‌های شمال دمشق منتقل شوند و ارتش سوریه، نیروهای خود را به ۸ لشکر کاهش دهد. دو طرف نسبت به تعیین تعداد موشک‌های زمین‌به‌زمین و محل استقرار موشک‌ها توافق کنند و رویکرد ارتش دو کشور از حالت هجومی به وضعیت دفاعی تغییر یابد. نظارت و راستی‌آزمایی اجرای توافقات برعهده نیروهای بین‌المللی انتخاب شده با توافق دو طرف انجام می‌شود و برای جلب رضایت سوریه در این جمع، نیروهای آمریکایی حضور نخواهند داشت، بلکه ماهواره‌های آمریکایی با عکس‌برداری هوایی به مراقبت خواهند پرداخت و بر روی ارتفاع جبل‌الشیخ، پایگاهی برای هشدار سریع به مدت ۲۵ سال باقی خواهد ماند. در موضوع آب نیز سوریه تعهد می‌دهد از دریاچه طبریا برداشت نکند و نسبت به مقدار بهره‌برداری از رودهای حاصبانی، بانیاس و یرموک توافق خواهد شد. درخواست‌های اسرائیل، پای سازمان‌های فلسطینی حاضر در خاک سوریه و نیز آوارگان فلسطینی حاضر در اردوگاه‌ها را نیز به وسط می‌کشد؛ هرچند ممکن است این بحث بعداً در یک فرمول منطقه‌ای مورد بررسی واقع شود. (۶۶)

دور دوم مذاکرات

دور دوم مذاکرات قرار بود در پنجم ژوئن برگزار شود، (۶۷) اما ده روز به تأخیر افتاد و در روزهای ۱۵ و ۱۶ ژوئن به صورت غیرمستقیم در استانبول انجام شد. همزمان، روزنامه تشرین سوریه تصریح کرد سوریه روابط با سایر کشورها را در این مذاکرات محل چانه‌زنی قرار نمی‌دهد. این رویکرد ناظر بر روابط سوریه - تهران قلمداد شد. این روزنامه با نگاهی انتقادی، ضمن رد هرگونه پیش‌شرط در مذاکرات، از شروط غیرقابل اجرای اسرائیلی انتقاد کرد و آن را نشانه بی‌صدافتی در مذاکرات و محل بهره‌برداری‌های داخلی و انتخاباتی اسرائیل دانست. قرار بود دستور جلسه این دور مذاکرات تدابیر امنیتی پس از عقب‌نشینی از جولان باشد تا به بحث در خصوص حزب‌الله، حرکت مقاومت اسلامی (حماس)، مبارزه با تروریسم، آبهای جولان و روابط تجاری بین دو کشور پردازد. همچنین، گفتگو نسبت به نحوه افتتاح نمایندگی سیاسی در پایتخت هریک از طرفین پس از امضای توافق‌نامه صلح و تأثیر آن بر ایران، لبنان و ایالات متحده، در این دوره از مذاکرات پیش‌بینی شده بود، (۶۸) اما دستور جلسه تغییر کرد و به تعیین نحوه برگزاری مذاکرات مستقیم بین دو طرف و ساختار کمیته‌هایی که مذاکرات را دنبال خواهند کرد، پرداخت. فضای مذاکرات سازنده اعلام شد و برگزاری دور سوم و چهارم مذاکرات نیز مورد توافق قرار گرفت. طرف اسرائیلی در این مذاکرات خواهان ملاقات رو در روی اسد و اولمرت در اجلاس اتحاد برای مدیترانه که در ۱۳ ژوئیه در فرانسه برگزار می‌شد، شدند و این ملاقات لحظه‌ای را گامی برای پیشرفت مذاکرات مهم دانستند. (۷۰)

بشار اسد در سفر به هند، به فضاسازی‌های اسرائیل پایان داد و ملاقات زودهنگامی که از قبل توسط تکنوکرات‌ها و متخصصین زمینه‌سازی نشده باشد را بی‌معنی شمرد. وی بازگشت جولان به سوریه را مقدمه انجام مذاکرات رودرو دانست تا از این طریق، راه برای مذاکرات جدید محور فلسطینی - اسرائیلی و خاتمه منازعه اعراب و اسرائیل و برقراری صلح عادلانه در منطقه هموار شود. وی مذاکره با اولمرت را تا قبل از سال ۲۰۰۹ (و آغاز به کار رئیس جمهور جدید آمریکا) بعید و شرایط نامناسب اولمرت را در این تأخیر مؤثر دانست. در این سفر، وزیر خارجه سوریه نیز ضمن رد هرگونه فشاری بر سوریه اظهار داشت که قبل از عقد توافق‌نامه صلح و انجام بایدهای آن، مذاکره رو در رو اجراء نخواهد شد. (۷۱)

دور سوم مذاکرات

خبر دور سوم مذاکرات استانبول را سفیر اتحادیه اروپا در تل آویو اعلام کرد و اضافه کرد که ۱۰ روز بعد، دور چهارم مذاکرات انجام خواهد شد. وی تأکید کرد ورد به مرحله نهایی مذاکرات، رهین مشارکت آمریکاست و بعید است قبل از انتخاب رئیس جمهور جدید آمریکا، دولت آمریکا به مذاکرات بپیوندد. وزیر خارجه سوریه نیز مذاکرات جاری را زمینه‌ساز تعیین مبانی و عناصر صالح برای مذاکرات مستقیم دانست و تصریح کرد هرچند مذاکرات فراز و فرود دارد، لیکن مهم آن است که طرفین در انجام آن ثابت قدم باشند. امیدواریم اسرائیلی‌ها فرصت پیش آمده برای صلحی عادلانه و فراگیر را در اختلافات حزبی خویش تخریب نکنند. (۷۲)

دور سوم مذاکرات که از اول ژوئیه به مدت سه روز انجام شد، از کتمان، پنهان‌کاری و ابهام بیشتری برخوردار بود. وزیر خارجه ترکیه اعلام کرد:

«معتقدیم در هنگامی که هر دو طرف سوری و اسرائیلی اراده قوی و اصرار برای حل مشکلات فیما بین دارند، پیشرفت حاصل خواهد شد. مذاکرات هنوز در مراحل ابتدایی است و پیشرفت در این مذاکرات زمینه‌ساز مذاکرات مستقیم اسرائیل و سوریه خواهد بود. هنوز موانعی وجود دارد که باید دو طرف از آن عبور کنند. این مذاکرات در صورت نتیجه‌بخش بودن، تأثیر مثبتی بر خاورمیانه خواهد گذاشت.» (۷۳)

منابع دولتی ترکیه از انجام مذاکرات غیرمستقیم دور چهارم در پایان ماه ژوئیه و دور پنجم و ششم مذاکرات در ماه اوت خبر دادند و اعلام کردند دو طرف در مذاکرات دور چهارم تعیین خواهند کرد که آیا ادوار بعدی مذاکرات به صورت مستقیم انجام شود یا همچنان با واسطه انجام گیرد. به هر حال، میانجی ترک امید داشت به زودی مذاکرات مستقیم آغاز شود. نخست‌وزیر اسرائیل نیز سرعت مذاکرات را مثبت ارزیابی کرد و گفت به زودی مذاکرات مستقیم آغاز خواهد شد. وی با تجدید نظر نسبت به مواضع پیش گفته خویش افزود: «حکیمانه نیست برای گفتگوها پیش شرط تعیین کنیم، ولی می‌توان چنین تصور کرد که هنگامی

توافق‌نامه صلح با سوریه به امضا رسید و روابط تجاری با سوریه آغاز شد، دیگر سوریه در شکل موجود باقی نخواهد ماند و اوضاع در مرزهای شمالی اسرائیل تغییر خواهد کرد.» (۷۴)

وزیر خارجه سوریه در پاریس اعلام کرد مذاکرات جاری براساس معادله زمین در برابر صلح در حال انجام است و به محض آنکه اسرائیل مرجعیت مذاکرات مادرید را بپذیرد و به طور رسمی اعلام نماید که جولان سرزمین اشغالی سوریه است و حاضرند مؤلفه‌های توافق‌نامه صلح را فراهم سازند و قطع‌نامه‌های مربوطه شورای امنیت را اجرا کنند، مذاکرات مستقیم تحت اشراف و نظارت آمریکا، اروپا، روسیه و سازمان ملل آغاز خواهد شد. وی تأکید کرد ترکیه تعهد داده که اسرائیل آماده عقب‌نشینی از جولان است. (۷۵) دبیرکل سابق وزارت خارجه اسرائیل، آلون لیثیل نیز طی مصاحبه‌ای اعلام کرد:

«اگر آمریکا حاضر به حمایت سیاسی و نظامی از سوریه شود، این کشور روابط خود را با ایران قطع خواهد کرد. اکنون فرصت دستیابی به صلح با سوریه از همیشه جدی‌تر شده است. وی گفت سوریه خواهان تغییر موضع اتحادیه اروپا و دولت آمریکا نسبت به گفتگوهای بین سوریه و اسرائیل است.» (۷۶)

روزنامه هآرتص از قول یک مقام ترک فعال در مذاکرات نقل کرد که در دور چهارم، انتظار داریم مذاکرات مستقیم بین فرماندهان نظامی دو کشور در راستای چارچوب‌های امنیتی قابل قبول و منطقه خالی از سلاح برگزار شود، اما یک روز بعد، خبرگزاری نیمه‌دولتی آناتولی ترکیه این اظهارات را ناصحیح دانست. همچنین، اولمرت در ملاقات فرانکو فراتینی، وزیر خارجه ایتالیا که وی نیز برای میانجی‌گری مذاکرات بین لبنان و اسرائیل به منطقه آمده بود، اظهار داشت:

«ارزیابی اسد از عدم حضور بوش و دولت آمریکا در مذاکرات، ناصحیح است و وی می‌تواند بوش را برای این کار راضی کند.»

روزنامه هآرتص اعلام کرد اولمرت تلاش می‌کند بوش را برای حضور در مذاکرات قانع کند تا بشارسد نیز با مذاکرات مستقیم هیأت‌های دو طرف موافقت کند. (۷۷)

با این حال، سوریه همچنان مذاکرات را در مراحل اولیه می‌دید و اسد در اجلاس اتحاد برای مدیترانه که توسط فرانسه و با حضور کلیه کشورهای مجاور این دریا، در ۱۲ ژوئیه در پاریس برگزار شد، نشان داد قصد ندارد لبنان را در مذاکرات نادیده بگیرد. وی در پاریس اظهار داشت:

«ما به طور دقیق در خصوص هر آنچه در مذاکرات ترکیه حاصل می‌شود، با لبنان هماهنگ می‌شویم و آنگاه که مذاکرات به بلوغ رسیده و مواضع واضح گشت، بی‌تردید لبنان نقش اساسی ایفا خواهد کرد. هنوز معلوم نیست این روند چه موقع به پایان می‌رسد و هنوز مذاکرات در مراحل ابتدایی خود قرار دارد. اکنون مذاکراتی انجام نمی‌شود که بگوییم کی تمام خواهد شد.»

وی در مصاحبه با کانال دو فرانسه نیز اظهار داشت:

«در صورتی که هر دو طرف برای رسیدن به مذاکرات مستقیم تلاش کنند، عقد توافق‌نامه صلح به حداقل ۶ ماه تا ۲ سال وقت نیاز دارد.» (۷۸)

چندی بعد، پیش از برگزاری اجلاس چهارگانه دمشق، پاریس، دوحه و آنکارا در سوریه، سارکوزی اظهار داشت:

«در اجلاس پاریس سوریه اعلام کرد تصمیم دارد مذاکرات با تل‌آویو را در وقت مناسب تحت نظارت مشترک فرانسه-آمریکا ادامه دهد و سپس توافق‌نامه صلح که در آن ترتیبات امنیتی نیز قرار دارد را با نظارت مشترک این دو کشور به اجرا درآورد.» (۷۹)

از این‌رو، گفته شد در صورت حضور آمریکا و فرانسه، دمشق حاضر به برگزاری مذاکرات مستقیم است. (۸۰) پیش از این، فرانسه و ایتالیا هر کدام به طریقی خواهان مشارکت در مذاکرات دمشق-تل‌آویو و باز پس‌گیری نقش محوری از آنکارا شده بودند.

دور چهارم مذاکرات

مذاکرات دور چهارم از ۲۸ تا ۳۰ ژوئیه در استانبول برگزار شد و طرفین توافق کردند دور بعد در ماه اوت ادامه یابد. (۸۱) یک هفته بعد در ۵ اوت، اسد در بازگشت از تهران به دیدار

اردوغان رفت تا با وی در خصوص میانجی‌گری ترکیه صحبت کند. (۸۲) باراک در این ارتباط گفت به تجربه دریافته‌ایم سوری‌ها انسان‌های سختگیری هستند و هیچ ضمانتی وجود ندارد که مذاکرات ترکیه به نتیجه برسد، ولی نفس مذاکرات برای ما مهم است. (۸۳) سپس از روند مذاکرات ابراز ناراحتی کرد و گفت:

«اکنون عقب‌نشینی از جولان در اولویت‌های سوریه قرار ندارد، بلکه اولویت سوریه تأمین منافع خویش در لبنان و حفظ حکومت است. سوریه برای پیشرفت در مذاکرات تلاش نمی‌کند و گرنه باید به قطع روابط با ایران، حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی و پذیرش و تعیین محل نصب ایستگاه‌های اسرائیلی هشدار سریع اقدام کند.»

وی به مقامات اسرائیلی، به خاطر شکست در نبرد با حزب‌الله حمله کرد (۸۴) و با هشدار به رهبران اسرائیل خواست قبل از آنکه سوریه نحوه تعامل خود با موضوعات مورد توجه تل‌آویو (امنیت، خلع سلاح، ایستگاه‌های هشدار سریع، عادی‌سازی روابط، قطع ارتباط با نیروهای مقاومت، ادوات جنگی و کشتار دسته‌جمعی، ایدئولوژی ایرانی، خلع سلاح‌های موشکی حزب‌الله، آغاز مذاکرات تل‌آویو - بیروت) را تعیین نکرده است، آنها به دمشق تعهد عقب‌نشینی به خط ۴ ژوئن ۱۹۶۷ را ندهند. (۸۵) وزیر خارجه اسرائیل نیز با اشاره به روابطش با اولمرت گفت پیگیر مذاکرات نیست و فقط از آنچه به وی گفته می‌شود، خبر دارد و هزینه مذاکرات را نیز می‌داند. (۸۶) در همین حال، سوریه روابط با مسکو را تقویت کرد و با تأیید عملیات علیه گرجستان اجازه داد ناو هواپیمابر روسی در بندر طرطوس پهلو بگیرد و مسکو آنجا را توفتگاه اصلی خود در مدیترانه بداند. (۸۷) اقدامی که اسرائیل آن را نشانه عدم اهتمام سوریه به پیشرفت در مذاکرات حتی با حضور آمریکا و مخالفت با غرب تعبیر کرد (۸۸) و آمریکا اعلام کرد هنگامی در مذاکرات شرکت خواهد کرد که سوریه از دخالت در امور داخلی لبنان و حمایت از تروریست‌ها دست بردارد و در جهان به بازیگری ثمربخش تبدیل شود. (۸۹) در همین حال نسبت به برگزاری دور پنجم مذاکرات تردید شد، ولی بحث در این خصوص به یکی از موضوعات اجلاس چهارجانبه سران در دمشق تبدیل گردید. (۹۰) اسد در این اجلاس با اشاره به برگزاری دور پنجم مذاکرات، از ترسیم خط عقب‌نشینی و پیشنهادات ششگانه

دمشق به آنکارا خبر داد تا به عنوان پیشنهادی غیررسمی (ودیعه) در پاسخ به پیشنهادهای که از طرف اسرائیلی مطرح خواهد شد، قرار گیرد. وی اضافه کرد عقب‌نشینی به خط ۴ ژوئن، اساس مذاکرات است و جزء شروط قابل مذاکره نیست. تا کنون گزارشی از این شش محور داده نشده است. اجرای این شش شرط، ورود به مذاکرات مستقیم است. از یک دیدگاه، این مذاکرات به مرور سوریه را از ایران دور خواهد کرد، ولی دیدگاه دیگر مذاکرات را عاجز از قطع روابط دمشق تهران و شروط را وقت خریدن توسط سوریه می‌داند. (۹۱) ایران هر تلاشی که موجب آزادی سرزمین کشورهای اسلامی شود را تأیید می‌کند، ولی تردید دارد اسرائیل حاضر به بازگردان حقوق مسلمین شود. (۹۲)

بشار اسد مذاکرات مستقیم را مشروط به حضور آمریکا، آمدن نخست‌وزیری که حاضر به ادامه مذاکرات و قبول عقب‌نشینی از جولان باشد، دانست و پیگیری مذاکرات با طرف فلسطینی را شرط حیاتی مذاکرات با سوریه برشمرد. شرط اخیر، تلاش برای ممانعت از دچار شدن مذاکرات به همان روند پیمان کمپ‌دیوید است، (۹۳) اما مقامات آمریکایی با نفی اعزام دیوید ولش به مذاکرات، چنین اقدامی را منوط به ایفای نقش مثبت سوریه در منطقه کردند. (۹۴) سولانا نیز با نفی از سرگیری مذاکرات سه سال متوقف‌مانده شراکت اتحادیه اروپا با دمشق، برخورد سردی با دمشق کرد. (۹۵) این موضع، نوعی حرکت یکجانبه فرانسه قلمداد می‌شود.

در واقع، محورهای تعیین‌شده از سوی سوریه، همان محورهایی است که قبلاً در مذاکرات با میانجی‌گری آمریکا مطرح شده است. ایجاد پارک صلح در حاشیه جنوب شرقی دریاچه طبریا تحت حاکمیت سوریه و ارتفاق اتباع اسرائیل، تعدیل مرزها در حاشیه رود اردن به عمق قابل مذاکره و دور شدن از حاشیه رود، حفظ یک پایگاه هشدار سریع در قله جبل‌الشیخ با حضور نیروهای فرانسوی-آمریکایی-ترک، گشت هوایی توسط نیروهای مشترک فرانسوی-آمریکایی-ترک در مرز، تعیین مناطق سه‌گانه نظامی بر مبنای ۱۰ در برابر ۵، اقدامات اعتمادسازی در راستای اعلام استعداد نیروهای مانوری و بسیج‌شده، برقراری روابط با اسرائیل در مراحل پایانی عقب‌نشینی و کمک به برقراری مذاکرات با لبنان و عادی‌سازی روابط و ایجاد نمایندگی در مراحل نهایی عقب‌نشینی، بخش اعظم آن محورهاست. طرف اسرائیلی نیز شروط

ناقض حاکمیت سوریه همچون پذیرش خط مرزی ۱۹۲۳ را همچنان دنبال می‌کند؛ چرا که بدون امتیازگیری از سوریه، حاضر به عقب‌نشینی نیست. شروطی که حافظ اسد حاضر به قبول آنها نشد.

دور پنجم مذاکرات

در اجلاس چهارجانبه دمشق، اردوغان خبر داد دور پنجم مذاکرات در ۱۸ و ۱۹ سپتامبر برگزار خواهد شد و اسرائیل با اعلام حضور توربوویچ در مذاکرات، اهتمام خود را به ادامه مذاکرات اعلام کرد و از حضور نمایندگان آمریکایی و اروپایی در مذاکرات خبر داد. سپس، پرز از بشار اسد خواست وی نیز همچون سادات و ملک حسین به تل‌آویو بیاید و از پرز برای سفر به دمشق دعوت شود. در همین حال، تل‌آویو تکرار تعهد نخست‌وزیران قبلی اسرائیل مبنی بر عقب‌نشینی تا دریاچه طبریا توسط اولمرت را تکذیب و تعیین خط مرزی در دور پنجم مذاکرات را منتفی دانست، (۹۶) در حالی که یک مقام سوری، مذاکرات را اقدامی نهادی دانست که استعفای افراد و اوضاع داخلی اسرائیل در آن تأثیری ندارد. (۹۷) بشار اسد خطاب به سارکوزی، استعفای توربوویچ را دلیل تأخیر و وضع داخلی اسرائیل را موجب قطع مذاکرات اعلام کرد. (۹۸) اسد در گفتگو با سارکوزی تأکید کرده بود به دور پنجم مذاکرات اهتمام دارد؛ زیرا قرار است در این دور، مرزهای حاشیه دریاچه طبریا مورد بحث قرار گیرد. (۹۹) این بحث برای دور پنجم مذاکرات، نشانگر مقدماتی بودن مذاکرات چهار دور قبلی است، زیرا مذاکرات با حافظ اسد در همین موضوع قطع شد و نقطه محوری قطع یا استمرار مذاکرات به توافق یا عدم توافق در همین نقطه متصل است. در دوم مذاکرات نیز روند مذاکره عقب‌تر از سطح اعلام شده بود.

در روز ۱۷ سپتامبر، به دلیل همزمانی با انتخاب رئیس حزب کادیم، هر سه طرف لغو مذاکرات را اعلام کردند، ولی وزیر خارجه سوریه آمادگی کشورش را برای از سرگیری مذاکرات اعلام کرد. (۱۰۰) نزدیکان به اولمرت نیز از سرگیری زود هنگام مذاکرات خبر دادند. (۱۰۱) اولمرت نیز در بازدید از کربات شموه اظهار کرد:

«در گذشته نگران روزی بودیم که تانک‌های سوری از جولان به سمت اسرائیل حرکت کنند، ولی امروز با قدرت بازدارندگی اسرائیل یک کیلومتر کم یا زیاد چیزی را تغییر نمی‌دهد، بلکه تهدید واقعی ایران است که صدها کیلومتر با ما فاصله دارد. آنچه در نهایت بین ما و سوریه رخ می‌دهد، صلحی است که در آن، هر یک از ما حقی را وا گذاشته‌ایم. (۱۰۲) در عین حال، نمایندگان لیکود این نگاه به جولان را رانندگی کورکورانه‌ای دانستند که نتیجه‌ای جز حضور ایران و حماس در جولان ندارد. (۱۰۳) در این هنگام، گفته شد باراک از خانم لیونی که به ریاست حزب کادیم انتخاب شد، در دولت بعدی خواهد خواست با توجه به ملاحظات امنیتی موجود در روابط با سوریه، وی (وزیر دفاع) به جای وزیر خارجه (احتمالاً شائول موفاز) مذاکرات را ادامه دهد. (۱۰۴) به هر حال، دور پنجم مذاکرات دیگر برگزار نشد. هریک از طرفین تلاش کرد دلیلی برای آن ذکر و از متهم‌سازی دیگری اجتناب کند تا اختلافات پنهان بماند و از مواهبی که در تن دادن به مذاکرات به دست می‌آورد، خود را محروم نسازد.

دور ششم مذاکرات

در حالی که دور پنجم مذاکرات برگزار نشده بود، هنگامی که در ۲۰۰۸/۱۲/۲۳ اولمرت در آنکارا با اردوغان ملاقات ۴ ساعته‌ای انجام داد، کانال دوم تلویزیون اسرائیل خبر برگزاری ششمین جلسه مذاکرات را اعلام کرد. این خبر در سایر منابع خبری به نقل از اسرائیل منتشر شد. مذاکرات به صورت تلفنی و در حضور دو نخست‌وزیر با نماینده سوریه انجام شده و اظهارات هر طرف، توسط ترک‌ها به دیگری منتقل شد. در واقع، تنها دستاورد مذاکرات همین ارتقاء سطح مذاکره‌کنندگان بود. این منبع اضافه کرد در مقابل شرط اسد مبنی بر دریافت تعهدی همچون تعهد رابین، اولمرت این شرط را رد کرده و دستیابی به تفاهمی که نه فقط تعهدات اسرائیل، بلکه تعهدات متقابل سوریه را نیز دربردارد، مطرح کرده است. منابع دیپلماتیک نیز از سفر قریب‌الوقوع یک مقام ترک به دمشق برای پیگیری مراحل بعدی مذاکرات خبر دادند. (۱۰۵) بر اساس این خبر، نظارت نخست‌وزیران ترکیه و اسرائیل بر مذاکرات و محدودتر شدن محیط مذاکره از استقرار در سه هتل به مذاکرات غیرمستقیم تلفنی، بخشی از توافقات سفر اردوغان به ترکیه است. ارائه ۶ شرط توسط اسد، علاوه بر ودیعه حافظ

اسد نیز نشانه اتفاقی است که در مذاکرات رخ داد. چون طرح تعهداتی که برهم‌زننده روند مذاکرات است، بعید می‌باشد اسرائیل به طریقی طرف سوری را متعهد ساخت با ارائه دو ودیعه، بار روانی تعهدی که رابین داده بود را کاهش دهد. در همین راستا، لیونی که از قبل با اقدامات اولمرت مخالف بود، با تشکیک در قابل اعتماد بودن سوریه گفت سوریه باید بدانند معنای صلح دست برداشتن از حمایت از حماس و حزب‌الله است و نتانیاهو نیز تأکید کرد آنچه توسط اولمرت به اسد وعده داده شود، ارزشی ندارد و هرگاه حزب لیکود حکومت تشکیل دهد، در جولان باقی خواهد ماند. پرز، رئیس دولت اسرائیل نیز به بازی دوگانه سوریه که از یک سو در مذاکرات وارد می‌شود و از سوی دیگر کمک‌های تسلیحاتی برای حزب‌الله ارسال می‌کند، اعتراض کرد؛ زیرا در حالی که طرفداران ایران در ارتفاعات جنوب لبنان مستقر هستند، اسرائیل ارتفاعات جولان را تحویل نخواهد داد. (۱۰۶) چند روز بعد، اسرائیل حمله ناجوانمردانه خود را به غزه آغاز کرد و سوریه در اولین گام، لغو روند مذاکرات را به اطلاع آنکارا رساند.

پیچیدگی‌های مذاکره

پیچیدگی مذاکرات سوریه - اسرائیل، در دو سطح داخلی و منطقه‌ای قابل بررسی است. در سطح داخلی، تأثیر روانی حافظ اسد بر رهبران فعلی سوریه قابل اغماض نیست. ساختار تصمیم‌گیری در سوریه، همان ساختار به جا مانده از دوران ریاست حافظ اسد می‌باشد و آمدن افراد جدید، مبانی کمی روزآمد شده را استحاله نکرده است. از این رو، ثوابت میهنی و قومی عربی همچنان در آن کشور پابرجاست و ثبات این مبانی، غافلگیری رفتاری و موانع غیرقابل پیش‌بینی را ضعیف کرده است. از سوی دیگر، در مذاکرات ۱۰ ساله دوران حیات حافظ اسد، یکبار تمامی پرونده‌های اختلاف و منازعه سوریه - اسرائیل، خواه در سطح دوجانبه و خواه فراملی، مورد بررسی و مذاکره قرار گرفته و می‌توان گفت سوریه و اسرائیل تمام مواضع خود را توضیح داده‌اند و بیشترین تنازلات و کوتاه‌آمدن‌ها انجام شده است. هر کوتاه‌آمدن یکجانبه، با مبانی قومی، ملی و مذهبی یکی از دو طرف منافات دارد و او را دچار شرایط پیش‌بینی نشده می‌کند. این در حالی است که شرایط هیچ‌یک از طرفین، در یک دهه

گذشته، تغییر فاحشی نداشته و روند مذاکرات ترکیه گویای تکرار و بازخوانی پیچیده‌تر پرونده مذاکرات مادرید است. تکرارپذیری و جامع‌بودن مذاکرات قبلی، فرصت و امکان دستیابی به راه‌های بدیل را در دور جدید مذاکرات، تضعیف کرده است.

پیچیدگی دیگر مذاکرات، در سطح منطقه‌ای، تغییر در جبهه نزدیکان سوریه است. در یک دهه گذشته، جبهه قومی - عربی که سوریه خود را در آن تعریف می‌کرد، به طور تمام‌عیار به سمت آمریکا و جدایی از دمشق حرکت کرده و از سوی دیگر، جبهه جدید متحدین در محور تهران - دمشق - حزب‌الله - حماس - جهاد اسلامی و سایر گروه‌های فلسطینی شکل گرفته و متحدین این محور، روز به روز نیرومندتر شده‌اند.

هرچند این نیرومندی، موازنه منطقه‌ای را دستخوش تحول نکرده، ولی توازن را بیشتر ساخته است. هوشیاری سیاسی به ارث مانده از حافظ اسد در رهبری جدید سوریه، این شرایط را فرصتی جدید می‌داند و سوریه با سیاست عمل‌گرایی و بهره‌برداری از فرصت‌ها در تصمیم تاریخی مصالحه با اسرائیل، آن را نادیده نمی‌گیرد. اسرائیل صلح را مشروط به جداسدن سوریه از جبهه متحدین و واگذاری برگه‌های قدرت خود کرده است. این در حالی است که در مذاکرات دوجانبه واشنگتن در دوران جرج بوش پدر نیز سوریه حاضر نشد به خاطر صلح با اسرائیل از این متحدین، که در شرایطی بسیار ضعیف‌تر از امروز بودند، جدا شود. در سیاست خارجی این کشور، رهاکردن یک متحد به خاطر دستیابی به متحد دیگر جایی ندارد و جمع‌اضداد در سیاست خارجی سوریه غیر ممکن نیست. تأثیر متحدین (حزب‌الله و ایران) بر جامعه سوریه نه تنها در جای‌جای این کشور، به ویژه پس از نبرد ۲۰۰۶ و شکست اسرائیل، از مقاومت اسلامی لبنان احساس می‌شود، بلکه این تأثیر به حدی است که رهبران و مقامات سیاسی اروپایی نیز به آن اذعان داشته و آن را از بزرگترین موانع پیش روی اسرائیل برای همراه‌سازی مقامات سوری با خود می‌دانند.

پیچیدگی دیگر مذاکرات، گرانبه‌بودن سرزمین مورد مذاکره در امنیت ملی اسرائیل است. حدود ۳۵ شهرک صهیونیستی در جولان قرار دارد و ثلث آب شرب اسرائیل از این منطقه تأمین می‌شود. صنایع فراوانی از منابع طبیعی این منطقه استفاده می‌کنند و از لحاظ نظامی، استراتژیک‌ترین سرزمین در اشغال اسرائیل قلمداد می‌شود. ارتفاعات جولان بر دشت الجلیل

مشرف است و بیش از یک‌سوم ساکنین اسرائیل در این دشت زندگی می‌کنند. اشراف بر جولان، تهدید جمعیتی اسرائیل است. مذاکرات کمپ‌دیوید و وادی عربیه به بهایی بسیار ارزانتر، زمامداران سیاسی این دو کشور را از جمع دشمنان اسرائیل خارج کرد، در حالی که مذاکرات با سوریه معامله‌ای پرهزینه با متاعی غیرقطعی است. معامله‌ای که جدایی دیدگاهها در آن بیش از اشتراک نظر طرفین است.

اسرائیل در طی ۶۰ سال گذشته، خاک لبنان و غزه را بدون مذاکرات صلح و بطور یکجانبه بازپس داده است. نبرد حزب‌الله با ارتش این کشور و ناتوانی از پیروزی در نبرد ناهم‌تراز با حزب‌الله، جلوگیری از خسارت‌های بیشتر و افزایش عملیات جهادی رزمندگان فلسطینی دلیل این عقب‌نشینی است، ولی بعد از جنگ رمضان، دیگر اشغال سینا و خاک اردن برای اسرائیل هزینه‌ای نداشت و این دو کشور نبرد با تل‌آویو را دنبال نکردند. از این‌رو، مذاکرات صلح (سلام) که در آن شروط تسلیم به چشم می‌خورد، با مصر و اردن منعقد شد. سرزمین جولان در شرایطی خاص قرار دارد. از یک سو، اسرائیل در جولان با مقاومت و هزینه‌های قابل توجهی روبرو نیست تا مجبور به تکرار نسخه لبنان شود و از سوی دیگر، سوریه تا کنون کشوری نبوده که الگوی مصر یا اردن را تکرار و شروط تسلیم را به نام شروط سلام (صلح) بپذیرد.

پیچیدگی دیگر، پوششی و غیرقطعی بودن مذاکرات است. موفقیت مذاکرات، تنها محرک و هدف در چرخه مذاکرات نیست، بلکه نفس برگزاری مذاکرات برای هریک از اطراف مذاکره، منافع زیادی دربردارد و به هدف تبدیل شده است. اولمرت بهره‌برداری‌های سیاسی خود را از پیش‌برد مذاکرات در نظر دارد. استمرار مذاکرات، تریبونی برای بیان خواسته‌ها، عملیات روانی و تشکیک و تردید در جبهه متحدین سوریه است و آبرویی نیز برای اولمرت تأمین می‌کند. مذاکرات صلح، ترکیه را در سایه رهبری مقامات حزب عدالت و توسعه، از اعتباری منطقه‌ای برخوردار و خصومت با سوریه را به دوستی با این کشور تبدیل و درهای بازار سوریه را به سمت شمال باز می‌کند. همچنین، جایگاه مردمی حزب عدالت و توسعه را تقویت و وزن این کشور در تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا را افزایش می‌دهد. سوریه، پس از ترور رفیق حریری، در انزوای دوگانه سخت آمریکایی-اروپایی قرار گرفت. استمرار مذاکرات صلح،

جبهه اروپایی ضد سوری را تضعیف و یخ‌های رابطه با بیروت را آب کرد و موقعیت رهبری این کشور در مقابل مخالفین سوری مقیم داخل و خارج این کشور تقویت شد. مذاکرات صلح، بخشی از سیاست خاورمیانه‌ای آمریکاست و سوریه در مذاکرات صلح فعال می‌ماند تا به شریک آمریکا تبدیل و از انزوا خارج شود.

پیچیدگی دیگر، فقدان اجماع مذاکره و مصالحه با سوریه در رهبران اسرائیل است. اسرائیل دارای دولتی با تغییرات گسترده در سطح نخبگان سیاسی و رهبری است و اولمرت در حالی مذاکرات ترکیه را دنبال کرد که نه تنها از حمایت کامل متحدین خود برخوردار نبود، بلکه رهبران احزاب مخالف از حمایت وی امتناع و توافقات احتمالی وی با دمشق را فاقد اعتبار اعلام می‌کردند. از این‌رو، دست‌زدن به مذاکراتی طولانی‌مدت با نخبگانی که در حال جابه‌جایی هستند، دستیابی مطلوب را دور از انتظار می‌سازد و پیش از آنکه مذاکرات به توافقاتی قطعی و غیر قابل نقض و برگشت برسد، تغییر در کابینه اسرائیل و جابه‌جایی نخست‌وزیر، مذاکرات را به نقطه آغاز بازمی‌گرداند.

نتیجه‌گیری

بررسی روند روابط و مذاکرات سوریه و اسرائیل، نشانگر دوگانگی عمیق بین سوریه و اسرائیل است. این دوگانگی برخاسته از دوگانگی پاسخ به این سؤال است که صلح چیست؟ اسرائیل صلح را پذیرش شروط و بایدهای قدرت تعریف می‌کند و مبنای این قدرت را قدرت برتر سخت‌افزاری در مقابل قدرت سخت‌افزاری ضعیف‌تر می‌بیند، در حالی که سوریه قدرت را صرفاً سخت‌افزاری نمی‌داند و به محدودیت‌های آن نیز به عنوان ضعف توجه دارد. در واقع، دوگانگی بین سوریه و اسرائیل، برخاسته از شکاف بین رویکرد واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی است که سوریه با داشتن نگرش‌های ایدئولوژیک و تأثیرپذیری از متحدین خویش سازنده‌گرایی را نیز بر آن افزوده است. یعنی، در حالی که خاک سوریه در اشغال ارتش اسرائیل قرار دارد، حاضر به پذیرش شروط اسرائیل برای عقب‌نشینی از جولان نیست و به جای هزینه‌دادن، با اصرار بر مواضع خود، ضمن افزودن بر مشروعیت داخلی، خروج از انزوای

سیاسی و تقویت روابط خویش با ترکیه و تجدید روابط با اروپا و تلطیف روابط با آمریکا را دنبال می‌کند.

مذاکرات بین سوریه و اسرائیل، تکرار مجدد مذاکراتی است که با کنفرانس مادرید، به صورت دوجانبه و چندجانبه بین کشورها و رهبران عرب شرکت‌کننده در کنفرانس با رهبران اسرائیل آغاز شد و پس از حدود یک دهه، بین سوریه و اسرائیل شکست خورد و قطع شد. در این مذاکرات، تمامی خواسته‌ها و دیدگاه‌های دو طرف با میانجی‌گری آمریکا به اطلاع طرف دیگر رسید و حافظ اسد نشان داد نمی‌تواند شریک قابل اعتمادی در رهبران اسرائیل بیابد و مذاکرات را بر اساس منافع مرضی‌الطرفین دنبال کند. اسرائیل برای بازگرداندن زمین‌های سوریه و دستیابی به صلح عجله‌ای ندارد و هزینه‌ای که از سوریه مطالبه می‌شود، خارج از حد قابل قبول مردم سوریه است. سوریه و اسرائیل نتوانستند برای چگونگی استقرار نیروها در مناطق مجاور جولان به توافق برسند و در نحوه تقسیم و وسعت سرزمین‌های غیرنظامی و مناطق دارای تحدید سلاح توافق کنند. مرز سوریه در مجاورت دریاچه طبریا، وجود پارک صلح، عرض این پارک و حاکمیت بر آن، مورد توافق قرار نگرفت و طرفین بر سر نحوه نظارت و مراقبت نیروهای طرف مقابل، به توافق نرسیدند. نحوه عادی‌سازی روابط و سطح آن نیز قابل توافق نبود و در یک کلام، مذاکرات سوریه و اسرائیل مصداق برد یک طرف و باخت طرف دیگر بود.

هرچند در دور مذاکرات ترکیه، مواضع طرفین به طور واضح اعلام نشد و نگرانی احتمالی متحدین سوریه از این پنهان‌کاری قابل درک و مشروع است و آلودگی به ویروس تکروی و پنهان‌کاری، تزلزل در اتحاد را عادی و هریک از متحدین را به پیگیری منافع خود و به حراج گذاردن منافع همکاری تشویق می‌کند، ولی روند مذاکرات ترکیه، طرح مطالب میان هر دور از مذاکرات، تأخیرهای پیش‌آمده در مذاکرات و عدم تحقق وعده‌های داده‌شده، گویای آن است که آنچه در پشت میز مذاکره گفته می‌شد، بسیار ابتدایی و روند مذاکرات بسیار کندتر از آن بود که ادعا می‌شد و دلیل آن نیز عدم تغییر معنادار اوضاع و احوال و دیدگاهها و کم‌نشدن فاصله بین طرفین بود.

سوریه و اسرائیل، دور جدید مذاکرات خود را با اهداف خاص خویش آغاز کردند. سوریه از یک سو بازگشت جولان را حق مسلم خود می‌داند و از سوی دیگر، با این مذاکرات خود را از انزوا خواهد رها کند. از سوی دیگر، اولمرت کلید بحران کاهش فشارهای داخلی پس از شکست در نبرد سال ۲۰۰۶ و افزایش مشروعیت خویش را در مذاکره با سوریه و ایجاد شکاف در جبهه دشمنان می‌داند. ترکیه نیز به دنبال ارتقاء سطح و جایگاه منطقه‌ای خود است.

مذاکرات سوریه و اسرائیل، روندی چرخشی و ادواری داشته است. در طی این مراحل، تکرارپذیری در کنار فرصت‌طلبی‌های ناهم‌زمان هریک از طرفین، آن را پیش از آنکه به سمت سلم و آشتی سوق دهد، به تعریف کلاوزویتسی صلح و جنگ نزدیک می‌کند. دولت سوریه که از هر تلاش مشروعی برای بازگشت سرزمین اشغال‌شده‌اش استفاده می‌کند، اطمینان دارد اسرائیل، جولان را به قیمت تمامیت هویت سوریه، به آن خواهد فروخت. هزینه‌ای که سوریه در پرداخت آن تأمل بسیار خواهد کرد، به ویژه آنکه روزبه‌روز محور متحدین سوریه تقویت شده‌اند و رهبری جوان سوریه، هوشیاری و بردباری حافظ اسد را به ارث برده است. با توجه به آنچه مورد مورد اشاره قرار گرفت، تأثیر پیچیدگی‌ها بر مذاکرات سوریه و اسرائیل غیرقابل اغماض است و عوامل متداخل مانع از آن است که مبانی و حقوق مورد نظر طرفین بر یکدیگر قابل انطباق باشد. این دور از مذاکرات، موجب شد سوریه بار دیگر چهره صلح‌جوی خود را نشان دهد و در حصار انزوایی که پس از قتل رفیق حریری دچار آن شده بود، شکافی بزرگ ایجاد کند و اثبات نماید که اسرائیل شریکی غیر قابل اعتماد در مذاکرات است و با او نمی‌توان به فرمول برد-برد دست یافت. پایان مذاکرات و شکست حمله به غزه، خودباوری جنگجویان جبهه شمالی را در حالی تقویت کرد که اولمرت نتوانست با این مذاکرات رخنه‌ای در جبهه مدافعین حقوق آوارگان فلسطینی وارد کند و تشنت و عدم اجماع رهبران اسرائیلی در مذاکرات سابقه‌ای غیرقابل فراموشی نسبت به ضعف پایبندی آنها نسبت به توافقات صلح ایجاد کرد.

یادداشت‌ها

۱. عرفه، جمال محمد، ۲۰۰۴/۱۰/۱۱، تفجیرات طابا تفتح الملفات المصرية الإسرائيلية، www.Islam online.net
2. www.jewishvirtuallibrary.org Separation of force Agreement Between Israel and Syria. May 31,1974.
3. www.un.org
۴. حسین، خلیل، وثائق مؤتمر المركز اللبناني بحوث و التوثيق والاعلام، بیروت، ۱۹۹۲، ص ۶- ۱۷۵.
۵. همانجا، ص ۸۳
۶. همانجا، ص ۲۹-۳۰
۷. غانم، حافظ، مبادئ القانون الدولي العام، القاهرة، ۱۹۶۱، ص ۹- ۵۳۷
۸. راس، دنيس، السلام المفقود. خفايا الصراع حول سلام الشرق الاوسط. ترجمه عمر الايوبى و سامى كعكى، دارالكتب العربى، لبنان، بیروت، ۲۰۰۵، ص ۵۱.
۹. همانجا، ص ۵۲
10. www.un.org
۱۱. راس، پیشین، ص ۵۲
۱۲. همانجا، ص ۵۳
۱۳. همانجا، ص ۵۲
۱۴. همانجا، ص ۵۴
۱۵. حسین، پیشین، ص ۴۷
۱۶. همانجا، ص ۳۹
۱۷. همانجا، ص ۵۰
۱۸. همانجا، ص ۲۲۶
19. meria.idc.ac.il/journal/1999/issue4/jv3n4a6.htm
۲۰. حسین، پیشین، ص ۸۹
21. meria.idc.ac.il/journal/1999/issue4/jv3n4a6.html
۲۲. حسین، پیشین، صص ۲۳۵-۲۳۴
۲۳. همانجا، صص ۲۳۹-۲۳۷
۲۴. همانجا، ص ۱۲۰

٢٥. راس، پیشین، ص ١٥٨
٢٦. البقاعی، مرح. ٢٠/ تموز /٢٠٠٧. ودیعة رابین أم «ودیعة» الأسد؟ النداء: www.damdec.org
٢٧. راس، پیشین، ص ١٦٤
٢٨. همانجا، ص ٢٠١
٢٩. أبوستة، سلمان، «أى حدود بین سورية و فلسطين و اسرائيل»، *روزنامه الحیاء*، ٢٠ مه ١٩٩٩ www.vovcongress.com
٣٠. راس، پیشین، ص ٢٠٣
٣١. همانجا، ص ٦٥٠
٣٢. همانجا، ص ٦٥٠
٣٣. «المفاوضات بین اسرائيل و سوريا فی عهد تنیاهو» (الوثائق السریه)، www.fateh.net
٣٤. راس، پیشین، ص ٦٣٣
٣٥. همانجا، ص ٦٤٥
٣٦. همانجا، ص ٦٨٣
٣٧. همانجا، ص ٦٩٧
٣٨. همانجا، ص ٦٩٧
٣٩. همانجا، ص ٦٩٧
٤٠. همانجا، ص ٦٩٧
٤١. همانجا، ص ٦٩٦
٤٢. همانجا، ص ٦٦٩
٤٣. همانجا، ص ٦٥٥
٤٤. همانجا، ص ٦٦٨
٤٥. همانجا، ص ٦٦٨
٤٦. همانجا، ص ٦٧٠
٤٧. همانجا، ص ٧٣٠
٤٨. همانجا، ص ٧٢٠
٤٩. همانجا، ص ٧٠٤
٥٠. همانجا، ص ٧٣٢
٥١. همانجا، ص ٣٢١
٥٢. همانجا، ص ٢١٤
٥٣. همانجا، ص ٧٣٠

٥٤. همانجا، ص ٧٠٣
٥٥. سرلشگر جمال مظلوم، «المفاوضات السورية الاسرائيلية. عود على بدء» العربية، ٢٦ مه ٢٠٠٨
٥٦. راس، پيشين، ص ٦٦٨
٥٧. همانجا، ص ٢٣٣
٥٨. همانجا، ص ٧٢١
٥٩. همانجا، ص ٧٣٤
٦٠. همانجا، ص ٧٢١
٦١. همانجا، صص ٧٣٨-٧٣٠
٦٢. حسين، پيشين، صص ١٠٣-١٠٤
٦٣. لبنان - روزنامه المستقبل، ٢٠٠٨/٦/١٨، www.almostaqbal.com
٦٤. همانجا، ٢٢ و ٢٣ / ٢٠٠٨/٥
٦٥. همانجا، ٢٤ مه ٢٠٠٨
٦٦. العربية، المفاوضات السورية الاسرائيلية.. عود على بدء (٢٦/٥/٢٠٠٨ www.thisissyvia.net)
٦٧. المستقبل، پيشين، ٢٠٠٨/٦/٢
٦٨. همانجا، ٢٥/٥/٢٠٠٨
٦٩. همان.
٧٠. همانجا، ١٧/٦/٢٠٠٨
٧١. همانجا، ٢٠/٦/٢٠٠٨
٧٢. همانجا، ١/٧/٢٠٠٨
٧٣. همانجا، ٣/٧/٢٠٠٨
٧٤. همانجا، ٤/٧/٢٠٠٨
٧٥. همانجا، ٥/٧/٢٠٠٨
٧٦. همانجا، ٧/٧/٢٠٠٨
٧٧. همانجا، ١١/٢/٢٠٠٨
٧٨. همانجا، ١٤/٧/٢٠٠٨
٧٩. همانجا، ٢٨/٨/٢٠٠٨
٨٠. همانجا، ٣٠ اوت ٢٠٠٨
٨١. همانجا، ٣١ تموز ٢٠٠٨
٨٢. همانجا، ٥ اوت ٢٠٠٨
٨٣. همانجا، ٦ اوت ٢٠٠٨

٨٤. همانجا، ١٢ اوت ٢٠٠٨
٨٥. همانجا، ١٨ اوت ٢٠٠٨
٨٦. همانجا، ٢٤ اوت ٢٠٠٨
٨٧. همانجا، ٢٩ اوت ٢٠٠٨
٨٨. همانجا، ٣٠ اوت ٢٠٠٨
٨٩. همانجا، ٢٩ اوت ٢٠٠٨
٩٠. همانجا، ٢ سپتامبر ٢٠٠٨
91. www.middle east online.com 2008/9/4
٩٢. همانجا، پیشین، ٢٠٠٨/٩/٧
93. www. radiosawa.com 2008/9/4
٩٤. المستقبل، پیشین، ٢٠٠٨/٩/٨
٩٥. همانجا، ٢٠٠٨/٩/١٢
٩٦. همانجا، ٥ و ٢٠٠٨/٩/٧
97. middle east online 2008/9/4
٩٨. المستقبل. ٢٠٠٨/٩/٥
٩٩. تأجيل الجولة الخامسة من المحادثات السورية الإسرائيلية بسبب الوضع الداخلي فى إسرائيل، ٢٠٠٨/٩/٤. (radio sawa)
١٠٠. المستقبل، پیشین، ٢٠٠٨/٩/١٨
١٠١. همانجا، ٢٠٠٨/٩/٢٠
١٠٢. همانجا، ٢٠٠٨/٩/٢٤
١٠٣. همانجا، ٢٠٠٨/٩/٢٠
١٠٤. همانجا، ٢٠٠٨/٩/٢٦
105. www.Sada Soria.com. 2008/12/24
١٠٦. السفير، پیشین، ٢٠٠٤/١٢/٢٤